





عابدین سالاری اسکر، سردبیر هفته نامه «پدیده شهر» مطرح کرد:

## هزینه هر دقیقه شورا ۷/۵ برابر دستمزد «رونالدو»!

نجفی برای دولت بیشتر نفع داشته است، به نفع شهر یا به نفع دولت؟ دست خالی شهر تهران از هم سوئی! کوچرفقای بازنشسته و مدیران دولتی بی پست به شهرداری، شهرداری خلوت مدیران ناکار آمد دولتی! وقتی یک دهم وقت شورا مفید است!

نطق های پیش از دستور همچنان بی اثر بارنگ و بوی سیاسی

نطق آقای سخنگو در حدسمینار دانشجویی مقطع کارشناسی

دو تذکر مفید شورا؛ از آمار گودهای رها شده پایتخت تا نقاط نایمن برای زنان

اختلاف دیدگاه در خصوص بناهای میراثی؛ خانه های قدیمی محلات رافریز می کند

باهر متری و معیاری این شورا نمره قبولی نمی آورد!

با تغییر شهردار تهران آمارهای ترافیکی تغییر کرد!

سهام حمل و نقل عمومی از سفرها کاهش یافت

«به به گوئی» اعضا به گزارش رسانه ای آقای معاون به دلیل عدم تسلط!

خوش خیالی مدیریت شهری؛ وقتی مدیران شهری گمان می کنند هم سوئی با دولت به کمک شان می آید!

وقتی شهرداری به کمک دولت آمده است!

معرفی دو فرد ناشناس برای ستاد سمن ها، لابی و مناسبات غیر شفاف همراه با تنش و دعوا

## معرفی چهره های «موثر و مفید» جلسه ۲۵ ام.....

تاکنون ساخته شده، ۲۲ هزار میلیارد تومان منابع مالی نیاز داریم.

حدود ۱۰ هزار اتوبوس برای شهر تهران نیاز داریم، با کسر اتوبوسهای فرسوده در حال حاضر ۲ هزار تاداریم، (یعنی با محاسبه قیمت ۷۰۰ میلیون تومانی برای هر اتوبوس؛ حدود ۴۰۹ هزار میلیارد تومان منابع مالی نیاز داریم).

برای تکمیل و توسعه همه خطوط مترو عددی حدود ۱۲۳ هزار میلیارد تومان منابع نیاز داریم (به قیمت امروز).

در سه ماه گذشته دولت ریالی به شهرداری کمک نکرده است و شهرداری نیز بر اساس گفته رئیس کمیسیون عمران ریالی به مترو تخصیص نداده است. یک سوم حقوق بگیران (۱۹ هزار نفر) سیستم عریض و طویل شهرداری زیر نظر مجموعه «معاونت حمل و نقل و ترافیک» مشغول به کار هستند.

ادامه در صفحه ۳

نیست، بلکه به بافوت کردن برخی از این بناها فرومی ریزد. به نظر می رسد شورا جدید تهران باید یک حد بهینه و متعادل در این مساله رعایت کند. صرفاً با نگاه بگسوسه به این مساله پیچیده برخورد نکند؛ با این نوع نگاه به نظر حقیر، بسیاری از تذکرات میراثی توسط اعضاء شورا را تذکراتی مفید و موثر ارزیابی نمی کنم!

**ج: گزارش معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران (۹۰ دقیقه)**  
گزارش آقای «پورسید آقایی» معاون شهردار تصویر زیر را از حوزه «حمل و نقل و ترافیک تهران» ارائه کرد.

آمارهای ارائه شده توسط مدیریت شهری سابق در خصوص «وضعیت حمل و نقل عمومی» در دست نبوده و سهم حمل و نقل عمومی در تهران به جای ۶۰ درصد، ۴۴ درصد است. برای تکمیل ۷ خط متروی که

ارزشمند تاریخی دو دیدگاه وجود دارد: برخی به مانند این اعضاء محترم در خصوص هر گونه ساخت و ساز، تخریب و... در این بافت ها تذکر داده و پارسانه ها مصاحبه می میرات فرهنگی اختلاف نظر جدی دارم. برای روشن شدن موضوع از محله «مام زاده یحیی» در منطقه ۱۲ نام می برم. در این محله تعدادی بافت میراثی وجود دارد. وجود این چند قطعه سبب شده است که کل محله و مردم محروم در گروگان اینهاست؛ یعنی با عنوان بافت میراثی و فرهنگی، اساساً تمام حقوق اولیه انسانها نادیده گرفته شده و به آنها جواز ساخت خانه های خشتی، گلی داده نمی شود. در بسیاری از محلات دیگر منطقه ۱۲ همین وضعیت حاکم است. وضعیت فرسودگی و ناپایداری این محلات به گونه ای است که اساساً نیازی به آمدن زلزله برای همسان شدن با خاک

**ب: تذکرات: (۱۵ دقیقه)**  
«تذکر» به عنوان ابزار نظارتی شورا، چنانچه در چهار چوب «اختیارات قانونی»، ناظر به طرح مسئله و مشکلی در شهرداری، «حل مساله ای از شهر»، «هدف قرار دادن مشکلات واقعی مردم» و «مباززه یا فساد و رانت» باشد، تذکر «موثر و مفید» ارزیابی می شود. تذکر خانم «نژاد بهرام» (اعلان وجود ۵۰۰۰ فضای بی دفاع و نامن شهری و عمر بالای ۴۰ سال ۹۰ درصد بیمارستانهای تهران) و تذکر آقای «اعطاء» (اعتراض به رها شدن گودهای موجود در سطح شهر، بویژه گودر ها شده در کنار برج میلاد) را می توان در این چارچوب ارزیابی کرد.

در بسیاری از جلسات شورا، برخی اعضاء در خصوص حوزه «میراث فرهنگی و گردشگری» تذکراتی را مطرح می کنند. در خصوص مساله بافت های قدیمی و

رابر عدد ۲۱ عضو شورا تقسیم کنیم: ۱/۲ میلیون تومان بدست می آید. حال این عدد را مقایسه کنید با دستمزد رونالدو (هر بورو را ۵ هزار تومان فرض کنید به معنی ۱۶۰ هزار درز بر آلتیز تفکیکی جلسه تقدیم می شود. **الف: نطق پیش از دستور: (۱۳ دقیقه)**

طق پیش از دستور به عنوان بخشی از جلسه شورا، یک فرصت و امکان «نظارتی» در اختیار هر عضو شورا است. نطق امروز آقای «دقیقه» با عنوان «نظارت همگانی؛ میوه مشارکت اجتماعی» و با تاکید بر عناوینی چون «حکمرانی شهری»، «حکمرانی خوب»، «جامعه مدنی» و «مفاهیم تئوریک از این دست، در بهترین حالت می تواند در حد ارائه درس سیمینار پایان دوره لیسانس یک دانشجوی رشته به نامه ریزی شهری ارزیابی کرد...

عابدین سالاری اسکر، سردبیر هفته نامه «پدیده شهر» با هر متر و معیاری (البته با حداکثر ارفاق) عملکرد اخروچی) جلسه بیست و پنجم (۷ آذرماه) را واکاوی کردم. بیش از ۱۵ دقیقه از جلسه دو و نیم ساعته را مفید نیافتیم. از آنجائیکه شهر تهران برای هر جلسه شورا شهر تهران (بر اساس محاسبات دقیق و البته نرخ های سال ۹۲) بیش از چهار صد میلیون تومان هزینه می کند. هر دقیقه این جلسه «۲۶ میلیون» تومان برای مردم شهر تهران هزینه به دنبال داشته است. برای اینکه شاهکار اعضاء محترم را قدری برای افکار عمومی شفاف تر کنم، دست به مقایسه عملکرد آنها با درآمد (دستمزد) یا هزینه ای که باشگاه می کند) «رونالدو» بهترین بازیکن فوتبال دنیا می زدم. بر اساس ارقام (سال ۹۲) رونالدو برای هر دقیقه ۲۲ بورو در یافت کرده است. حال اگر عدد ۲۶ میلیون تومان جلسه شورا



«پدیده شهر» بررسی می کند:

# یک اعتراف، یک ادعا و یک احتمال در نطق سیاسی آقای نماینده

نیم ساعت از وقت پارلمان شهری در اختیار نطق سیاسی و سفارشی اعتراف به کنار گذاشتن شخصیت های لایق اصلاح طلب در لیست شورای شمارش آراء «کارویژه اصلی» سه عضو از پنج عضو یک حزب در شورای انتصاب های دوستانه در معاونت اجرایی شورا

پیشنهادی که هیچ کس جدی نگرفت؛ افزایش ۴۰ درصدی درآمدهای پایدار در لایحه بودجه ۹۷ این لیست حق مردم تهران نبود!

وقتی نماینده مردم وکیل مدافع شهردار می شود!

شعار تو خالی زنده باد مخالف؛ فشارهای پنهانی بر مخالفان

احتمالی که می تواند جدی شود؛ نیاز به تغییر اساسی در شورا

سه تذکر موثر شورا؛ از قطع درختان «حکیمیه» تا «قطع بودجه مترو»

باز پس گیری یک حق نظارتی واگذار شده شورا

وقتی آقای رییس به دنبال دفاع از شهرداری است!

افزایش جرایم «باغ خوارها»

حاصل مصوبات شتاب زده؛ خبری از لایحه کمک به زلزله زدگان کرمانشاه نشد!

## چهره های «موثر و مفید» جلسه ۲۴ ام.....



امانی



حبیب زاده



علیخانی

امکان «نظارتی» در اختیار هر عضو شورا است. در جلسه امروز آقای «میرلوحی» نطق مفصلی، که طولانی شدن آن اعتراض برخی اعضا را برانگیخت، ارائه کرد. در این نطق سفارشی سیاسی یک اعتراف، یک ادعا و یک احتمال در خصوص آینده شورا به همراه یکسری شعار مطرح شد که در ادامه می آید:

اعتراف:

ناطق در بخشی از نطق خود گفت: «حداقل ۱۵۰ شخصیت اصلاح

سده ماه گذشته، شاهد محکمی بر اعتراف ناطق محترم جلسه امروز است.

ادامه در صفحه ۱۴

ادامه از صفحه ۲

## هزینه هر دقیقه شورا ۷/۵ برابر دستمزد «رواندو»!



خلاصه آنچه در بالا گفته شد؛ یعنی اینکه، چنانچه بر اساس انکار بر منابع شهرداری بنا باشد، وضعیت حمل و نقل عمومی (مترو و اتوبوس) تهران سامان حداقلی پیدا کند، نیاز به ۱۵۰ هزار میلیارد تومان (حداقل) منابع است. با توجه به تخصیص ۵ تا ۶ هزار میلیارد تومانی سالیانه، ۳۰ سال طول می کشد تا این اتفاق بیفتد (تخمین بالا بر چند فرض غیر واقعی استوار است؛ یکی اینکه استهلاك را از معادله خارج و اثر صفر در نظر گرفته ایم، در حالیکه اینگونه نیست، دوم اینکه، هر سال در آمد کنونی شهرداری حاصل شود، این در حالی است که زمین و آسمان تهران فروخته شده، یعنی تحقق بودجه های ۲۰ هزار میلیارد تومانی عملیاتی است، سوم اینکه هزینه نیروی انسانی هم صفر محاسبه شده است. همه این فرض بدین معناست که بیش از ۳۰ سال زمان مورد نیاز می باشد).

متأسفانه به دلیل عدم تسلط برخی اعضا، این گزارش که می توانست در یک کنفرانس مطبوعاتی یا یک یادداشت رسانه ای و یا یک نشست غیر رسمی ارائه شود یا «به به» و «چه چه» بر برخی از اعضا مواجه شد، در حالیکه بر اساس گفته یک عضو شورا آمارهای مورد استفاده آقای معاون مربوط به مطالعات جامع ترافیکی در سال ۸۳ بوده (بخوانید) غیر قابل استناد دقیق) و از طرفی گزارش ایشان، فاقد هر گونه برنامه و راهبرد عملیاتی یا حداکثر کلی گویی های مبهم، برای مشکلات حوزه حمل و نقل ترافیکی تهران بود.

در همین جلسه، مساله عدم تحقق وعده دولت در کمک به مترو، مورد توجه و اعتراض آقای «علیخانی» عضو شورا قرار گرفت. واکاوی دقیق این مساله یک ضرورت جدی است. واقعیت این است که تا سال ۸۲ تا ۸۳ مساله گروه ها و احزاب سیاسی راه رسیدن به «پاستور» را از خیابان «بهشت» طراحی کردند. شهردار سال های ۸۲ تا ۸۴ تهران موفق به رسیدن به پاستور شد، اما شهردار سابق تهران علیرغم تلاش چندین باره تا کام ماند. این مساله عملاً سبب شد که دولت های مستقر طی ۱۲ سال گذشته همیشه اپوزسیون شهرداری تهران و مآلاً نتیجه این سنتیز دائمی، بی توجهی به مشکلات شهر تهران باشد. همسویی دولت و شهردار کنونی این ذهنیت (بخوانید خوش باوری) را در افکار عمومی جاری ساخت که احتمالاً دوره جدید باعث کاهش مسائل و حل مشکلات تهران خواهد شد.

تخفی شهردار کنونی تهران با کارت بازی همسویی با دولت توانست در رقابت با سایر رقبای شهرداری تهران برسد. حال سوال کلیدی این است که تا امروز با همسویی دولت با شهرداری به نفع شهر تهران بوده است یا به نفع نجفی و دولت. برای قضاوت در خصوص این معادله ابتدا باید تعریف درستی از انتظارات، جایگاه و وظایف و طرف ارائه کرد. موضوعاتی چون: «افزایش سهم و یا در واقع پرداخت سهم واقعی شهر تهران از محل مالیات بر ارزش افزوده به عنوان مهمترین بخش درآمد پایدار شهرداری»، «پرداخت سهم دولت در هزینه ساخت و اداره مترو»، «پرداخت سهم دولت در هزینه اتوبوسرانی و تاکسیرانی»، «واگذاری بخشی از اختیارات دستگاه های خدمات رسان دولت به مدیریت شهری جهت حرکت به سمت مدیریت واحد شهری»، «تقبل پرداخت سهم هزینه های ناشی از پایتخت بودن شهر تهران توسط دولت»، «حل و فصل یکسری از پرونده ها و معضلات چالش مندان اراضی آزاد شده ناشی از زیر زمینی شدن خطوط راه آهن در منطقه ۱۷ و ۱۸» به نفع مردم محروم این مناطق بعد از چندین سال بلاتکلیفی «دهها مورد دیگر» عنوانی است که اگر دولت در جهت عملیاتی و محقق کردن آنها گام بردارد، انگاه می توان همسویی دولت و شهرداری را به نفع مردم شهر تهران دانست. اما آنچه تا امروز عملاً اتفاق افتاده است به گونه دیگری است. تا به امروز «نجفی» با کارت دولت و همسویی سیاسی با آن در جلسات هیات دولت حاضر شده، تعدادی از رفقای بازنشسته خود و

مدیران دولتی را به شهرداری آورده و بالاترین پست های شهرداری را به آنها داده است. این بدین معناست که شهر تهران نیز از رهورد این همسویی عملاتی تا به امروز عایدی نداشته است و اتفاقاً در حال تبدیل شدن به حیات خلوت مدیران نا کارآمد دولتی شده است. تنها موردی که می توان به عنوان دستاورد برای شهر تهران به آن اشاره کرد، «واگذاری مدیریت پارک پردیس به شهرداری» بوده است البته به نظر حقیر این موضوع زمانی می توانست اصولی باشد که یا مالکیت آن به شهرداری واگذار می شد یا اینکه به صورت اجاره ۹۹ ساله به شهرداری داده میشد.

### دسایر موارد (۱۵ دقیقه)

انتخاب دو کارشناس خبره و صاحب نظر برای عضویت در ستاد سمن ها (سازمان های مردم نهاد) بخش پایداری چشم راه به خود اختصاص داد. دو فرد ناشناخته، که حتی کمترین اطلاعاتی در خصوص آنها به افکار عمومی داده نشد، با کمترین رای ممکن (۱۱ رای) و بعد از چالش و درگیری شدید بین دو عضو شورا انتخاب شدند. شورا در موضوع انتخاب نمایندگان جهت عضویت در مجمع و کمیسیون ها بر اساس سهمیه بندی کمیسیون های شورا و بر اساس لابی و مناسبات غیر شفاف اقدام به گزینش افراد نموده است...

## ۳ کوچه های آشتی کنان!

«جواد بورچی» دبیر شوراباری محله «جوادیه» در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» تاکید می کند: متأسفانه مالکان خانه های قدیمی تمایلی برای جمعیت نداشته و ملک خود را در اختیار سازمان نوسازی قرار نمی دهند؛ علت اصلی عدم رغبت نیز در نبود انگیزه های نقدی و اعتباری کافی در این زمینه خلاصه می شود. به عنوان نمونه خانواده ای که ساختمان طبقه دار و یک طبقه نیز به صورت غیر قانونی و غیر اصولی اضافه کرده، همراه با دو خانواده پر جمعیت دیگر در آن زندگی می کنند، تمایل با انگیزه کافی برای جمعیت با واحد های همسایه را ندارند و برایشان صرفه مالی و اقتصادی ندارد. به همین دلیل ترجیح می دهند خانه ها را حفظ کرده و به وضع موجود بسنند کنند. بر همین اساس حدود ۶۰ درصد از محله از معضل فرسوده بودن رنج برده و حدود ۴۰ درصد نیز زیاد هستند که خطرات زیادی در انتظار آنها است. بسیاری از کوچه ها بافت آشتی کنان و دوستی قدیمی را حفظ کرده و مردم تنها می توانند با یک موتور در کوچه ها تردد کنند. حالا جای سوال می ماند که در صورت وقوع هر نوع حادثه و بحران امکان امداد رسانی و تردد خودرو های امدادی مثل آتش نشانی، اورژانس و آمبولانس چگونه امکان پذیر است.»

## ۴ فلسفه تیر چراغ برق های وسط خیابان

«محمود نوروزی» عضو شوراباری محله «جوادیه» نیز در همین ارتباط به خبرنگار «پدیده شهر» یاد آور می شود: «درست چند شب پیش برای تردد آمبولانس و امداد رسانی به یکی از اهالی، مشکلات نوسازی در کوچه به وجود آمده بود. به طوری که نیروهای اورژانس به سختی بیمار را با برکتار حمل کرده و به محل توقف آمبولانس رساندند... این مورد یک نمونه از بحران کوچک در محله است و وقوع حوادث بحرانی دیگری می تواند تهران را فلج کند. در حال حاضر بسیاری از ساختمان ها بازسازی شده و عقب نشینی کرده اند. اما هنوز تیر های چراغ برق زیادی وسط هر کوچه باقی مانده که امکان تردد آسان شهروندان را مختل کرده است.» وی عملکرد دفاتر نوسازی در محله را مثبت ارزیابی کرده و ادامه می دهد: «واحد هایی در یک کوچه نوسازی شده و به بلوک تبدیل شده اند در عین حال تعدادی از واحد ها نیز باقی مانده که با وجود قدیمی بودن و داشتن قدمت ۷۰ سال به بالا نیازمند دریافت تسهیلاتی برای نوسازی هستند. در حالی که این مالک در کار شناسی ها به عنوان بافت فرسوده شناسایی نشده است در نتیجه تسهیلاتی نیز شامل حال آنها نشده است. پیشنهاد داده شده که کار نوسازی بافت های فرسوده با افزایش تسهیلات تسویفی امکان پذیر بوده و با توجه به خطرات تهران، این اقدام باید تسریع یابد.»

## ۵ دور شمسی قمری برای یافتن جای پارک

محله «جوادیه» و مشکلات عدیده آن باعث شده که وقتی با محله نشینان صحبت می کنیم، تنها به مطرح کردن موارد مهم اکتفا می کنند و می خواهند تا اولوبیتی در فهرستشان جا نماند... اهالی به معضل نبود پارکینگ اعتراض دارند... «روزی نیست که ماشین ها برای پیدا کردن جای پارک، دور شمسی و قمری نزنند... روزهای تعطیل محله قفل می شود. مهمان ها و غربیه های محله هم فهمیده اند که اگر به این محله بیایند برای پارک ساعت ها نوبت می شوند... چه قدر دعوا و کتک کاری سر جای پارک دیده ایم یا ساعت ها معطل پیدا کردن پارک خودرو بوده ایم.»

«محمود نوروزی» عضو شوراباری موضوع نبود پارکینگ در محله را بسیار جدی ارزیابی کرده و می گوید: «محله زمین های بایر و مخروبه زیادی دارد که می توانند به نفع شهروندان بهره برداری شوند. حتی در این ارتباط طرح جامعی نیز به شورای شهر و شهر داری ارائه شده است که می توان در محل زمین های خالی موجود، پارکینگ های طبقاتی احداث کرد و به واحد های مسکونی پارکینگ مطبق با سند هایشان، پارکینگ و فضای پارک فروخته و یا اجاره داد. این طرح هم به نفع شهروندان بوده و هم به نفع مردم خواهد بود. اما متأسفانه این گونه پیشنهادات نیز مثل پیگیری های بی حقی دیگر به جایی نرسید و فراموش شد.»

## ۱ «جوادیه» در پیچ و خم گره های کور شهری!

وقتی برای تهیه گزارش از محلات منطقه ۱۴ محله «جوادیه» هم انتخاب می شود، آماده هستیم تا در دو دل های زیادی رایشنیم. درد دل هایی که خواسته منطقی مردم ساکن در محله «جوادیه» بوده و سالهای سال است که بدون نتیجه رها شده اند. «جوادیه» را همه می شناسند، چه آنها که ساکن منطقه هستند و چه آنها که در بهترین منطقه از تهران زندگی می کنند. ماه محرم های «جوادیه» رنگ و بوی دیگری دارد و از کل تهران به این محله می آیند. اما مردم صحبت دارند. درد دل دارند... گرفتاری دارند... می گویند که حشمان نیست این همه محرم از امکانات باشند. صحبت های تعدادی از زنان در مورد مشکلات محله شنیدنی است... «تنها جایی که می توانیم در روز از خانه بکنیم، بشور و بساب نکیم، همین سر کوچه است که البته همسرانمان همیشه از این موضوع ناراحت و مخالف هستند. چاره دیگری نداریم. دلمان در این چار دیواری ها پوسیده... هیچ امکاناتی که دلمان را خوش کنیم وجود ندارد. کوچه ها انقدر تاریک و تنگ است که جای وقت سبزی کردن نیست. بچه های قد و نیم قدمان همه در همین کوچه ها بازی می کنند. کوچه ها تنها خطرناک هستند، امکان تصادف با موتور هم وجود دارد... بارها بچه ها به هوای توب بازی شده اند... بچه ها باید جلوی چشم خودمان باشد جای دیگری بازی ندارند...»

## ۲ خانه ها همپای اهالی پیر و فرسوده شدند

پیرمردها به صحبت های همسایه هایشان گوش می دهند و وقتی متوجه می شوند که تیم خبری وارد محله شده تمایل دارند که بیشتر در مورد مشکلات صحبت کنند. گوجه هم وزن خود در مورد مشکلات محله حرف زده و غصه خوردند... «شنیدید که بچه ها جای بازی ندارند... ما زیر بار مشکلات محله کمر خم کرده ایم... نوه و نتیجه ها که می آیند در خانه های ۵۰ متری ما کلافه می شوند. سال های سال است که می خواهیم با اهالی جمع کنیم و فقط یک فرصت خوب می خواهیم اما دیگر مثل خانه هایمان پیر شده ایم. بچه های ما بعد از مرگمان به جان هم می افتند و سهم خواهی می کنند... ما هم آسایش بچه ها بر ایمان مهم تر است... تا حالا که اقدام چشم گیری ندیده ایم... اما از پیشنهاد های بهتر استقبال می کنیم، ما هم دلمان می خواهد در رفاه بهتر و خانه های بهتر زندگی کنیم. از روی عروس و داماد هایمان خجالت می کشیم. خانه ها خیلی قدیمی و فرسوده شدند... نماینده های مردم یا همان اعضای شوراباری که به تمام معضلات محله اشراف کامل داشته و در این زمینه پیگیری های زیادی داشتند هر کدام مشکلات محله را از دید خود بررسی کرده و در این موضوع اتفاق نظر دارند که محله «جوادیه» فراموش نشده است، بلکه در مورد آن اعمال کاری و بهانه تراشی می شود...»

## گزارش «پدیده شهر» از محله قدیمی «جوادیه» منطقه ۱۴

# «جوادیه» فراموش نشده است!

- مشکلاتی به قدمت محله تاریخی
- کوچه های آشتی کنان و بمران امداد رسانی
- سبز شدن تیر های چراغ برق در میان کوچه ها
- نزاع هایی که ریشه در نبود پارکینگ دارد
- محله «جوادیه» روزهای تعطیل قفل می شود
- معتادان را فراموش کنید، بمران مواد فروشی داریم
- دو عامل بی رغبتی مالکان خانه های فرسوده به تجمیع
- بلا تکلیفی موقوفه «درفتی»



## از وقف کننده اصرار، از شهرداری انکار!

اصرار دارد در تکلیف زمین در زمان حیاتش روشن شده و خدمتی به اهالی شود، اما متأسفانه هنوز اقدامی برای عملیاتی شدن این پیگیری ها صورت نگرفته است، رئیس کمیسیون محیط زیست سابق شورای شهر تهران نیز بعد از بازدید از محله و اشراف به معضلات، قول پیگیری و حمایت از این طرح و ملک موقوفی را داد اما این وعده نیز محقق نشد.

و شهرداری در این زمینه، بیش از ۱۲ سال پیگیری، مذاکره و نامه نگاری شده و رابزنی ها هنوز به نتیجه ای نرسیده است. وی ادامه می دهد: تملک ۵ هزار متر مربع از ملک موقوفی «درختی» می تواند فضای سبز - فضای ورزشی، فرهنگی و حتی پارکینگ مورد نیاز شهروندان محله را تأمین کرده و بسیاری از معضلات را مرتفع سازد. وقف کننده این زمین نیز برمدی پیگیر و خیر خواهد است که

«جواد پورچی» دبیر شوراییار محله نیز به نبود سرانه های خدماتی - رفاهی بسیاری در محله اشاره کرده و تأکید می کند: «در حال حاضر اولویت اصلی محل تملک ملک موقوفی معروف به «درختی» است که تملک آن با توجه به بافت فرسوده و محروم محله و نبود امکانات تفریحی، ورزشی، فضای سبز و ... بسیار مهم و ضروری است... در عین حال با وجود داشتن دو مصوبه قانونی شورا

## بازار روز

## «سر آسیاب»

## بحران زاست

وی ادامه می دهد: «در کنار ضرورت ساماندهی به این میدان، مشکل میدان میوه و تره بار با بازار روز میدان «سر آسیاب» که مرز مشترک محله «جوادیه» و «شویو» بوده نیز وجود داشته و در این ارتباط باید اقدام اساسی انجام داد. این میدان تره بار و بازار روز از حداقل های ایمنی ساختمان برخوردار نبوده و چندین بار نسبت به بحرانی بودن وضعیت آن اطلاع رسانی شده است، نمای ظاهری نامناسب این ساختمان قدیمی بسیار معضل ساز بوده و نیازمند بازسازی ویژه است. این ساختمان قدیمی بیش از ۵۰ سال داشته و مشکلات بیشمار دارد که برای معاز و خیابان های اطراف نیز خطراتک است. ساماندهی این بازار روز می تواند بسیار کارگشا باشد و محله «شویو» و «جوادیه» را از مشکلات بسیاری نجات دهد، با این حال در این زمینه پیگیری، فریاد و اعتراضمان به جایی نرسیده است.»

## کاهش

## اعتماد مردم!

بر اساس این گزارش، نویسن صدای شوراییاران به گوش مسئولان و ستنگ اندازی با پهنانه ترشی سازمان های دیگری حتی شورای شهر باعث شده است که روند خدمت رسانی به مردم بسیار متاثر شده و نگاه اهالی را نسبت به فعالیت شوراییاران با بیاهام روبه روستاد. در این ارتباط «مجید علی آبادی فراهانی» رابط اطلاع رسانی شوراییاران محله «جوادیه» به خبرنگار «پدیده شهر» اعلام می کند: شوراییاران قبل از هر چیز به قانون نیاز دارند. قانونی که چارت شوراییاران را منظم کرده و آنها را از بی قانونی نجات دهد. قانون مند نبودن شوراییاران باعث شده تا بسیاری از سازمان ها و حتی شهرداری نیز فعالیت آنها را به رسمیت نشناخته و خود را ملزم به همکاری با شوراییاران نمانند. تا زمانیکه قانون جامع و مفیدی برای فعالیت شوراییاران وجود نداشته باشد، فعالیت آنها بی تأثیر بوده و حتی هزینه بر خواهد بود. متأسفانه از اوقات نبود قانون مدون در این زمینه، این است که کارهای گروهی در میان آنها خروچی قابل قبولی نداشته و درصد موفقیت کارهای گروهی در میان آنها بسیار ضعیف است.

در عین حال «غنی پور» عضو شوراییاران محله نیز می گوید: متأسفانه میزان اعتماد مردم و شوراییاران به شورای شهر و شهرداری بسیار کم است و اعتماد چندانی وجود ندارد. در بسیاری از بازدیدها و جلسات نیز اعلام کردیم که اعضای شورای شهر قبل از رسیدن به جایگاه فعلی، قول و قرارهای زیادی می دهند. در حالیکه همه به خدمت رسانی فکر کرده و اهداف شخصی خودشان را مدنظر قرار می دهند. انتظار ما این است که اعضای شورای شهر در راستای تحقق به وعده های قبل از انتخابات قدم بردارد.

## کمک به زنان بی سرپرست

## و بد سرپرست؛ اولویت محله

«فاطمه غنی پور» فعال اجتماعی و عضو شوراییار محله «جوادیه»، به معضلات محله از زاویه دیگری نگاه کرده و به خبرنگار «پدیده شهر» تصریح می کند: حمایت از خانواده های بد سرپرست و بی سرپرست در محلات، باید مدنظر مسئولان قرار گیرد، چرا که مشکلات عدیده آنها، محله و شهر را درگیر کرده است. در حال حاضر در محله «جوادیه» در زمینه شناسایی و کمک به زنان بی سرپرست و بد سرپرست اقداماتی صورت گرفته و از سوی خیرین و معتمدان محله کمک های زیادی برای امر معاش، کار آفرینی و کار آموزی آنها صورت می گیرد. حتی از خانواده های زیادی که مستاجر بوده و از محله مهاجرت می کنند نیز حمایت هایی می شود. اما در این ارتباط یک دست همداندار و یاریدار سازمان های زیادی پای کار آمده و به نیازمندان کمک شود. ریشه اصلی طلاق، فقر، بیکاری، اعتیاد و مشکلات مالی است. پس حمایت اصولی و کار آفرینی ماندگار برای نیازمندان می تواند مشکلات ریشه ای و حاشیه ای زیادی را مرتفع سازد. وی عملکرد سراهای محله از جمله سرای محله «جوادیه» را مثبت ارزیابی کرده و خاطر نشان می سازد: «کارنامه عملکرد این سراهای بسیار روشن و خوب است و توانسته خدمات زیادی را به محلات ارائه دهد. اما سراهای خالی از مشکل و معضل نیستند. به عنوان مثال لازم است شهرداری در گزینش کارکنان این مراکز که در نظر ما مردم، دقت بیشتری کرده و افراد کارکنان، با تجربه، مذهبی و باوجدان به بندد شود. شایسته نیست که مدیر و کارکنان سراهای تنها به فکر پر کردن ساعت و گذران وقت باشند. بلکه داشتن وجدان کاری و انجام کارهای شایسته در سراهای می تواند بسیار موثر باشد. درصد رضایت خانواده ها از سراهای محله نیز بسیار بالا بوده و از خدمات راضی هستند اما وجدان کاری کارکنان نیز باید افزایش یافته و به فکر خدمت رسانی واقعی و مفید باشند.»

## سرای محله امنیت ندارد

هم محله ای های «جوادیه» در گفت و گو با خبرنگار ماز کوتا بودن زمان فعالیت سرای محله «جوادیه» گلگه مند بودند و اعلام کرده اند که سراهای محلات دیگر، ساعت بیشتری به شهروندان خدمت رسانی می کنند در حالیکه ساعت فعال بودن سراهای محله ما با محلات دیگر تفاوت زیادی دارد. تعدادی از اهالی نیز به این موضوع اشراف داشتند که حتی اگر سراد ساعت عصر هم فعال بود، امکان حضور در کلاس ها فراهم نیست چرا که وضعیت امنیت و بافت فرهنگی محلات با یکدیگر تفاوت زیادی دارد... در همین ارتباط دبیر شوراییاران محله می گوید: «بارها مرادری از آزار و اذیت، سرقت و... توسط مراجع کنندگان به سراهای گزارش شده است. متأسفانه مکان فعلی سرای محله در جنوب غربی ترین محدوده محله جانمایی شده و فاصله آن با سراهای محله مجاور، تنها دو کوچه فاصله دارد. این در حالی است که سراهای باید در مرکز هر محله جانمایی و محیط پیرامونی آن را امنیت بالایی بر بخوردار باشد. در حال حاضر هیچ یک از اهالی جرت ندارند که از ساعت ۴ بعد از ظهر به بعد از محدوده فعلی سرای محله تردد کنند و با معضلات بسیاری روبه رو هستند. به همین دلیل سرای محله تنها تا ساعت ۴ بعد از ظهر فعال است و در تلاش هستیم تا برای تأمین امنیت و به خصوص تغییر مکان آن، پیگیری های همیشگی مان را ادامه دهیم هر چه به نتیجه ای نرسیده ایم.»

## سهل انگاری پیمانکاران زباله

«غنی پور» فعال اجتماعی بافت محله «جوادیه» را از نظر وجود معتمدان و آسیب های آنها بسیار بحرانی بر آورد کرده و می گوید: «بحث معتمدان به کنار، معتمدان مصرف می کنند و گوشه ای می افتند، باید ابتدا برای قطع کردن پای فروشندگان مواد مخدر از محله که به صورت علنی و آشکار در میادین و خیابان ها اقدام به فروش مواد مخدر می کنند فکر اساسی شود. از محله ای که فضای سبز، فرهنگی و ورزشی ندارد، گرایش به مواد مخدر چندان عجیب و دور ذهن نیست. حال که مشکلات بسیار زیاد است، مسئولان باید همه با هم برای کاهش آسیب ها تلاش کنند.»

انتیاشته شدن زباله در محله نیز از دیگر مشکلات موجود و قدیمی است که بدون متولی رها شده اند. وقتی به محلات بالای تهران می رویم، شکل و شمایل مخازن زباله نیز تفاوت دارد و ظاهر آن در محلات محروم از جمله «جوادیه» نیز بسیار متفاوت است. سطح های زباله طبق اصول و استاندارد حفاظت و شستشو نمی شوند و کاستنی های زیادی در حوزه نظافت محله داریم. بارها از روند رسیدگی به مخازن زباله و جمع آوری آنها قیام و عکس مستند تهیه شده و هشدار داده شده است که در این زمینه سهل انگاری هایی از سوی پیمانکاران می شود. نبود نظارت دقیق و مستمر در این راستا این مشکل را تشدید کرده است. اهالی می گویند که وقتی در این زمینه اعتراض می کنیم اعلام می کنند که توقع مان بالا است... در حالیکه توقع اهالی باید بسیار بیشتر از این توقعات باشد!...

## ضرورت چاره اندیشی

## پیرامون معضلات میدان «بروجردی»

معضلات تفریحی محله «جوادیه» از جمله مسایل اشاره شده از سوی شوراییاران بوده به طوریکه اهالی نیز بعد از صحبت و درد دل در مورد معضلات، در این ارتباط نیز درخواست هایی دارند. وجود وانت بار های فروش میوه و سبزی در میدان شهید «بروجردی» که زمانی بهترین میدان در این محله بود، بار ترافیکی این میدان که محل دسترسی به محلات دیگر بوده را با دشواری و سختی هایی روبه رو کرده است.

«پورچی» دبیر شوراییاران محله «جوادیه» در این زمینه تأکید می کند: «عضل میدان «بروجردی» را تنها از دیدگاه ترافیکی نمی توان ارزیابی کرد. در تلاش هستیم تا با حمایت و همت شهرداری، راهور، نیروی انتظامی و حتی رسانه ها، زمینه ای فراهم کنیم تا صاحبان این مشاغل که نان آور خانواده نیز هستند، کار و کاسبی شان را در زمین های بدون استفاده که عقب نشینی های خوبی نیز داشته اند رونق دهند؛ در حال حاضر هفته ای یکبار نزاع و درگیری هایی در این خیابان رخ می دهد که گاهی تبعات جبران ناپذیری را به همراه داشته است. اگر صاحبان این مشاغل به محدوده بهتری بروند که از امنیت، امکانات و شرایط بهتری برخوردار است، می توان امنیت محدود را با استقرار کانکس نیروی انتظامی تأمین کرده و فضای مناسبی برای کسب و کار آنها فراهم ساخت؛ تمرکز این وانت بارها در محدوده ای امن و مشخص می تواند از معضلات این میدان قدیمی کمی کند که این مهم با همکاری و حمایت از گان های ذکر شده محقق خواهد شد.»



## خط قرمز فراموشی مسئولان بر تن محله محروم «دولاب»!

داستان های تاریخی زیادی از محله «دولاب» شنیده ایم. پدر بزرگ ها بسیار شیرین در مورد محله «دولاب» می گویند... قدیمی ها از «دولاب» روایت های زیادی دارند... وقتی با اعضای شورایی این محله در مورد مشکلات صحبت کردیم، به این نتیجه رسیدیم که محله زمین تا آسمان با گذشته فرق کرده... ظاهر پایتخت با وجود مشکلات فراوانش هر چه قدر توسعه یافته تر شده، این محله بافت قدیمی خود را همچنان حفظ کرده و همه چیز دست نخورده باقی مانده است. گرچه قدمت «دولاب» با قدمت «شهری» برابر است، اما از این قدمت فقط یک نام و نشان باقی مانده و وضعیت فعلی محله به خوش نامی گذشته نیست! «دولاب» از نمادهای تهران قدیم است که دستخوش معضلات زیادی شده است... دولابی های قدیمی ساکن محله از اینکه هرگز شاهد رشد و پیشرفت در محله خود نیستند، نگرانی دارند و در این زمینه صحبت های زیادی هم دارند... «از زبان آباء واجدای هایمان محله درست مثل قبل است، اصلا خاک محله هم عتیقه است. انگار مسئولان بنا ندارند معضلات محله ما را هم ببینند و تصور می کنند که اینجا باید همین طور تاریخی باقی بماند... در دست است محله قدمت دار اما همین طور بدون رسیدگی مانده...»



## عملکرد ضعیف دفاتر نوسازی تا بحران جدی بافت فرسوده

«محمد علی متجری» در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» با اشاره به مشکلات قدیمی و انباشته شده می گوید: محله با قدمت بیش از هزار سال از معضلات تعدد باالی بافت فرسوده رنج می برد؛ محله ما از این نظر در منطقه ۴ در اولویت رسیدگی قرار دارد و این معضل در آن بسیار ریشه ای و اساسی است که در حال حاضر حدود ۴ هزار و ۸۰۰ پلاک بافت فرسوده در محله وجود دارد که با توجه به این آمار بالا، عملکرد سازمان نوسازی در محله بسیار ضعیف بوده و باعث شده تا اثری از فعالیت این سازمان وجود نداشته باشد. «دولاب» هم وزن «شهری» قدمت دارد و در گذشته هم به «دولاب ری» معروف بود. شغل اصلی مردم کشاورزی و باغداری بوده و این محله در واقع کشاورزان زیادی را تربیت کرده است. بافت قدیمی چندین و چند ساله همچنان دست نخورده باقی مانده و بافت فرسوده و قدیمی محله بسیار آسیب زا شده است. معضلات بافت فرسوده علاوه بر اینکه خطر و بحران زیادی را در پی دارد، قبل از وقوع هر زلزله در گیر آسیب های اجتماعی فراوانی است که محله «دولاب» را از این منظر در گیر کرده است. این فعال اجتماعی و شهری ادامه می دهد: علاوه بر منازل فرسوده و با تراکم ریز دانه، معابر و شاه راه های این محله نیز همچنان قدیمی مانده و هیچ حرکتی در آنها صورت نگرفته است. کوچه های آشنی کنان، معابر تنگ، بارک و تار یک همگی دست به دست هم داده اند تا محله را در کوهی از معضلات رها سازند. حالا با وجود همین معابر تنگ، بارک و قدیمی، بساز و بفرش بافت قدیمی و کلنگی را تبدیل به ساختمان های بلند کرده و آبار نعمان های ۸ واحدی، ۱۰ واحدی، و بعضاً ۱۰ واحدی ساخته است که این موضوع بر معضلات عبور و مرور مردم و مشکلات پارکینگ اضافه کرده است. بسیاری از خودروها، وسط خیابان بارک کرده و خودروها می کنند. دبیر شورایی محله «دولاب» همچنین معضل پارکینگ را در محله جدی می داند و تأکید می کند: از میان اولویت های فراوانی که به شورایی شهر ارایه شده است، بحث نداشتن پارکینگ بسیار اولویت داشته و پیگیری های چندین ساله شوراییاران و نمایندگان مردم در این زمینه بی نتیجه مانده است.

## مردم توان نوسازی ندارند!

«محمود جعفری» یکی از اعضای شورایی محله «دولاب» نیز در گفت و گو با خبرنگار ما، اولویت اصلی محله را بافت فرسوده و قدیمی آن می داند و می گوید: «بسیاری از مشکلات ریز و درشت محله به دلیل عدم رسیدگی به معضلات بافت فرسوده تشدید شده است و اداره نوسازی نیز با وجود داشتن دفاتر در محله، اقدام موثری انجام نداده اند... این اداره و حتی شورایی شهر بارها از منطقه بازدید کردند و با مشکلات محله آشنا هستند اما دروغ از یک تدبیر و چاراندیشی برای معضلات... معضلات بافت فرسوده محله با جلسه، بازدید و ارائه گزارش حل نخواهد شد. نوسازی به انگیزه و تسهیلات نیاز دارد. مردم محله به دلیل مشکلات اقتصادی و امر مدد ضعیف، توان نوسازی ندارند و تسهیلات فعلی هم چندان هم چندان جذاب کننده نیست؛ مردم زمین دارند اما برای برداشتن یک قدم از نوسازی پول کافی ندارند و حمایت می خواهند.»

## تخلیه محله از افراد بومی

فکتور گرفتن از معضلات بافت فرسوده غیر ممکن است... این موضوع به صورت زنجیر وار معضلات دیگری را برای محله آفریده است و خالق بسیاری از آسیب ها شده است... «مردم محله روزگاری همه آشنا بودند... اصلا غریبه ای نداشتیم، حالا جدای از اینکه محله از جمعیت افغانی پر شده است، مردم قدیمی هم به محض دست آوردن پول کمی، خانه ها را فروخته یا کرایه می دهند و به محلات دیگری می روند. تا چند سال دیگر بعید است که از «دولاب» قدم چیزی باقی بماند. همه فرار کردند و سرراغی از محله قدیمی شان با آن همه خاطرات نمی گیرند... فقط شب های جمعه عده ای از اهالی سری به قبرستان «چهل تن» محله می زنند و فاتحه ای نثار رفتگان می کنند و باز بر می گردند و برایشان چندان اهمیتی ندارد که محله در چه وضعی به سر می برد. آنها اقتدر خاک محله را خورده اند و در گیر مشکلات چند ساله بودند که حالا رفتن از محله نفس راحتی می کشند!»

## چراغ روشن آسیب های اجتماعی

«متجری» دبیر شورایی محله تأکید می کند: بازسازی خانه های اتاکی در جنوب خاوران، محله را دستخوش مشکلاتی کرده و با مجتمع سازی در آن محل، مشکلات به سمت محله «دولاب» سرازیر شدند. در هم آمیختگی و زندگی مردم اصیل با مردمی که از محله دیگری وارد شدند، مشکلاتی را پدید آورده و همچنان تاوان این اتفاق را پس می دهیم! حجم عظیمی از مشکلات محله از محلات همسایه سرازیر شده و ما را هم در گیر کرده است. وجود تعدادی از مراکز ترک اعتیاد و معتادان در محله نیز گرچه می تواند موثر باشد اما وجود این مراکز، نام آنها و تردد معتادان و افراد در معرض آسیب در این مراکز، اهالی را بیش از پیش نگران ساخته است. زمانی تمام آسیب ها در شب و دور از چشم مردم انجام می شد اما الان خانواده وزن و بچه مردم که از خانه بیرون می آیند، با بسیاری از معضلات جدی روبه رومی شوند. ریشه آسیب های اجتماعی در محله «دولاب» اقتدر بر ریز و راز است که صحبت از یکی از موارد، به تنهایی می تواند کافی باشد. گرچه شوراییاران معتقد هستند که سر سخت بودن اهالی قدیمی و پیگیری های آنها باعث شده که معضلات برخی از معتادان و جرایم آنها به دل محله نفوذ نکند، اما با این حال اعتیاد از اصلی ترین گرفتاری های محله است. «متجری» دبیر شورایی محله می گوید: «مرکز نگره داری معتادان در محله گرچه در ابتدا برای آموزش و مهارت آموزی به معتادان احداث شد اما این مرکز و همچنین مرکز اسکان کارگران، در دسر هایی را برای محله ایجاد کرده است. انجام کار فرهنگی در محله با وجود چالش های گسترده، آب در هاون کوبیدن است. اگر قرار بود در مورد اصلی ترین معضل اطلاع رسانی کنیم، بحث امنیت اولین مسأله قابل ذکر بود، اما ابتدا باید در مورد معضلات نشأت گرفته از نبود امنیت اطلاع رسانی شود تا مفهوم نبود امنیت در محله قابل فهم شود.»



گزارش «پدیده شهر» از محله ای که قدمت هزار ساله دارد

«دولاب» به خوش نامی سابق نیست!  
خاطره ای دور از یک محله قدیمی

- از «دولاب» تنها یک نام باقی مانده
- اهالی قدیمی «دولاب» معتقدند خاک این محله هم عتیقه است
- «دولاب» هزار ساله انبار معضلات قدیمی
- در محله «دولاب» ۴ هزار و ۸۰۰ پلاک فرسوده وجود دارد
- گره کور نوسازی بافت فرسوده در محله قدیمی «دولاب»
- کوچ اجباری قدیمی ها از محله «دولاب»
- کار فرهنگی در «دولاب» آب در هاون کوبیدن است
- کولبرهای زباله گرد محله را بهم ریخته اند
- بوی زباله در مشام اهالی «دولاب»؛ مفاظی که رنگ تمیزی ندیده اند

## مخازن زباله

### رنگ تمیزی به خود ندارند

کم بودن تعداد مخازن زباله نیز از دیگر مشکلات موجود محله را بسیار کمتر از محلات دیگر بر آورد کرده و می گوید: «جای امیدواری وجود دارد که خوشبختانه بافت قدیمی محله و وجود خانواده های قدیمی بومی باعث شده تا در محله آمار آسیب های اجتماعی نسبت به محلات دیگر بسیار کمتر باشد. گرچه مشکلات زیادی به چشم می آید اما می توان اعلام کرد که محله به برکت وجود افراد قدیمی و بومی، که اجازه رشد آسیب های اجتماعی را نداده اند و عرصه را بر مجرمین تنگ کرده اند، در وضعیت بهتری قرار دارد. اما مصلحتی که جای توجه دارد، ضایعات جمع کن بازار زباله گردهای خیابانی هستند که تعدادشان هم بسیار زیاد است. این افراد هر روز صبح تا شب با گونی و گاری مخازن شمال و جنوب محله را طی کرده و زباله های قابل بازیافت را جمع آوری می کنند. عرصه و فروش ضایعات آنها در مراکز ضایعاتی وابسته به شهرداری توزیع می شوند. کولبر های زباله گرده ظاهر محله را به هم ریخته اند و راه دیگری به جز تفکیک زباله برای امرار معاش ندارند. شهرداری سالهای قبل به صورت محدود اقدام به اطلاع رسانی و فرهنگ سازی در زمینه تفکیک زباله از مید می کرد اما حالا متأسفانه تمام اقدامات مربوط به فرهنگ سازی تعطیل شده است. شهروندان هم با ضرورت این اقدام آشنا نیستند. کیسه های زباله مخصوص زباله های خشک و تر زمانی میان مردم توزیع می شد و حالا تمام اقدامات در این زمینه توسط دوره گردهایی انجام می شود که مغلظات فراوانی را ایجاد کرده اند.»

## سوله

### مدیریت بحران

### تعطیل است!

وجود منابع بسیاری در ابتدای هر کدام از کوچه های تنگ و پارتیک، شهروندان را با مشکلاتی روبرو کرده است... «کوچه ها به اندازه کافی کم عرض هستند و حتی مخزن زباله ای هم جایابی نشده است. اما موانعی هم ابتدای هر کوچه ایجاد شده که موتور یا ماشین وارد نشوند و این موانع تردد خود رهای امدادی را با مشکل روبرو خواهد کرد. «حسن زبیری» عضو شورای ابار محله «دولاب» ضمن ابراز نگرانی از مغفل بافت فرسوده و خطراتی که با کوچترین زلزله محله را تهدید خواهد کرد به خیر نگار «بیدیده شهر» می گوید: «یک سوله مدیریت بحران در محله وجود دارد که سالهای گذشته حتی مانور های روزه رویی با زلزله برگزار می کرد و جلساتی هم با نمایندگان سازمان های دیگر داشتند اما الان از حدود سال ۸۸، هیچ مسئولی از این سوله بازدید نکرد و هیچ ترددی هم در آن صورت نمی گیرد. مشخص نیست که اصلا تجهیزات سابق در آن چه وضعیتی دارند. چادرها و وسایل در این سوله تکه داری می شد که حالا حدود ۷ سال است بدون استفاده و بررسی رها شده اند و مشخص نیست که با امکانات آن برای وقوع هر نوع زلزله آماده بوده یا نه. تهران روی گسل است و زلزله بسیار به ما نزدیک است. چرا نباید از این فضا استفاده بهینه کرد؟ مسئولان گزارش دهند تا مشخص شود این سوله آماده کمک رسانی و اسکان در زمان وقوع زلزله را دارد یا باید در زمان بحرانی با مشکلات متعددی روبرو باشیم!»

## زباله گردهای خیابانی!

«محمود جعفری»، شورای ابار این محله نیز مشکلات موجود محله را بسیار کمتر از محلات دیگر بر آورد کرده و می گوید: «جای امیدواری وجود دارد که خوشبختانه بافت قدیمی محله و وجود خانواده های قدیمی بومی باعث شده تا در محله آمار آسیب های اجتماعی نسبت به محلات دیگر بسیار کمتر باشد. گرچه مشکلات زیادی به چشم می آید اما می توان اعلام کرد که محله به برکت وجود افراد قدیمی و بومی، که اجازه رشد آسیب های اجتماعی را نداده اند و عرصه را بر مجرمین تنگ کرده اند، در وضعیت بهتری قرار دارد. اما مصلحتی که جای توجه دارد، ضایعات جمع کن بازار زباله گردهای خیابانی هستند که تعدادشان هم بسیار زیاد است. این افراد هر روز صبح تا شب با گونی و گاری مخازن شمال و جنوب محله را طی کرده و زباله های قابل بازیافت را جمع آوری می کنند. عرصه و فروش ضایعات آنها در مراکز ضایعاتی وابسته به شهرداری توزیع می شوند. کولبر های زباله گرده ظاهر محله را به هم ریخته اند و راه دیگری به جز تفکیک زباله برای امرار معاش ندارند. شهرداری سالهای قبل به صورت محدود اقدام به اطلاع رسانی و فرهنگ سازی در زمینه تفکیک زباله از مید می کرد اما حالا متأسفانه تمام اقدامات مربوط به فرهنگ سازی تعطیل شده است. شهروندان هم با ضرورت این اقدام آشنا نیستند. کیسه های زباله مخصوص زباله های خشک و تر زمانی میان مردم توزیع می شد و حالا تمام اقدامات در این زمینه توسط دوره گردهایی انجام می شود که مغلظات فراوانی را ایجاد کرده اند.»

## موش وزباله

### پر رنگ ترین معضل محله

آنچه که ظاهر محله را بسیار زشت کرده و هر از چندگاهی نگاهمان به آن خیره می ماند، وجود موش های در جوی های آب و کنار گونی های زباله گردان بود که بدون ترس از رهگذران، حتی تا پیاده روی آمدند و با برداشتن طعمه ای، دوباره به داخل سوراخ ها بر می گشتند... اهالی محل به ویژه کاسبان از این موضوع بسیار شکایت دارند و اعلام می کنند که محله واقعا موش دانی شده است و انقدر که تعداد آنها نسبت به گر به ها زیاد است، داخل بسیاری از خانه های قدیمی هم سر در آورده اند. «متبحری» دبیر شورای ابار محله در این ارتباط می گوید: «زباله های روی زمین مانده و عدم رعایت بهداشت و نظافت از سوی مردم و حتی مغازه داران باعث شده که غذای مورد نیاز موش ها و حیوانات موذی تامین شده و تفکیک زباله از مید هم به شیوه جمع آوری زباله گردی بسنده شده است. حشرات، موش، سگ و گربه از مهمترین مشکلات زیست محیطی محله است که صدای مردم را بلند کرده و در این ارتباط نه تنها شورای ابار بلکه تک تک اهالی با ۱۲۷ تماس گرفتند و در این مورد شکایت هایی را به ثبت رسانده اند اما به شکایت های یکی در میان پاسخ داده شده است در نهایت، از سسم های درجه پایین برای سم پاشی استفاده می کنند و از معضلی کم نمی شود. در کل این موضوع در محله ما بسیار شدید و زیاد است.»

## بوستان ها پر از معتاد و مواد فروش!

بوستان «آلاه» و «چهل تن» هم پر از معتاد و مواد فروش است و مردم جرات تردد در پارک ها را ندارند. تمام بچه ها در خیابا با سر گردان هستند بازی می کنند، زمین بازی و چمن در محله نیست که حداقل ساعتی از روز، اوقات فراغت داشته باشند... بوستان امن و مجهز حق طبیعی مردم در هر محله است... آنهم محله ای به نام «دولاب» که قدمت زیادی داشته و نجابت مردمانش زبانزد است. دبیر شورای ابار محله در این ارتباط تصریح می کند: «تنها بوستان کوچک محله در داخل و تصرف ایستگاه خط ۷ متروی تهران و در حال تخریب است. فضای ورزشی مناسبی هم برای بچه ها و نوجوانان وجود ندارد. قبل از انقلاب مجموعه ورزشی محله تحت مدیریت سازمان تربیت بدنی اداره می شد و این سازمان بهره برداری مناسبی از آن به عمل می آورد. سال های سال است که در حال بیگیری هستیم تا این زمین ورزش با مشارکت شورای اباری ها و شهرداری مدیریت و بهره برداری برسد اما هنوز به نتیجه ای نرسیده است. وی همچنین می افزاید: «زورخانه شهدای دولاب» نیز چهار سال گذشته در زمان مدیریت آقای «قالیباف» افتتاح شد اما به دلیل اینکه بدهی هایی در حوزه آب، برق، گاز و... داشت، حدود ۶ ماه است که بدون تکلیف رها شده است و هزینه هایی دارد. در حالیکه در محله در رشته «زورخانه»، قهرمانان کشوری داریم و محله تنها «کادمی زورخانه ای» در تهران است که در این حوزه هم بهایی در زمینه تربیت امکانات داده نشده است. در جلسات متعدد اعلام شده است که بهره برداری از این زمین را به سازمان ورزش خواهند داد اما صحبت شورای ابار از این مباحث گذشته و تاکید داریم که باید زیر ساخت ها و سایل مربوط به محله را مدنظر قرار داده و بعد برای بهره برداری اقدام شود. زمین متعلق به مردم است و باید منافع مردم در نظر گرفته شود؛ بافت سنتی محله باعث شده که بانوان امکان پیاده روی و ورزش صبحگاهی در پارک ها و فضای سبز را نداشته و محیط ورزشی مناسبی ندارند.»





گزارش «پدیده شهر» از محله محروم «شیوا» در منطقه ۱۴

## «شیوا»؛ سرزمین سوخته

وانت بارها جای «نوبرانه فروش ها» را گرفتند!

بافت فرسوده و پارکینگ، دو محفل اصلی و بمرانی در محله «شیوا»

اینجا فقر فرهنگ را می بلعد!

شد قارچ گونه سافتمانها در سرزمین سبز

### «شیوا» اکسیژن ندارد!

وقتی محله «شیوا» را بالا و پایین می روم متوجه می شوم که خوش نامی محله «شیوا» به اندازه آنچه که در بافتش در حال وقوع است، نیست. گرچه محله به نام شهید «دورزنی» تغییر نام داده است، اما اهالی جدید به تبع از اهالی قدیمی، نهمین محله از محلات منطقه ۱۴ را همچنان به نام «شیوا» شناسخته اند. شیوایی های قدیمی خاطرات زیادی از محله دارند. محله ای پر از باغ و زمین هایی که روزگاری متعلق به «هتوک الدوله» بودند و با فروش آنها طی سالیان بی دربی به قطعات کوچک تبدیل و خانه سازی های به صورت پراکنده در محله انجام شده است... اهالی قدیمی می گویند که محله «شیوا» یک شبه ساخته نشد. اقتدر زمین های بزرگ خرد و کوچک شده و حالا کوچه های بار یک تو در تو ایجاد کرده اند که منبع آسیب های اجتماعی شده است... حال نه راهی برای نوسازی دارند و نه راهی برای تعریض... در دست به شکل اولیه باقی مانده و ساختمان های بلند بالا و غول پیکر در همان خیابان ها احداث شده است.



### دلما می گیرد از این همه نابرابری و فقر!

خاطرات اهالی قدیمی از گذشته های دور محله «شیوا» آنچنان شنیدنی است که آنها هم به بازگو کردن و یا اب و تاب توضیح دادن در موردشان تشویق می شوند... «اگر زمانی از «شیوا» به عنوان «سرزمین های سرسبز» یاد می شد اما حالا حتی یک متر از این فضای باقی نمانده است. تمام هم و غم اینجا در ساخت و ساز خلاصه شده است. ساخت و ساز هایی که هیچ امکاناتی در کنار آن در نظر گرفته نشده است. تمام اقدامات حاشیه ای در این محله به رشد یکی از آسیب های اجتماعی و معضل برای شهروندان ختم شده و همه دست به دست هم داده تا «شیوا» را کم رنگ و به حاشیه براند. اهالی محل می گویند که شغل مردم در گذشته فروش تحفه و نوبرانه هایی در سطح محله بود که میوه و محصولات نوبرانه کشاورزی را با چرخ دستی می فروختند، اما به تدریج باره اندازی میادین میوه و بازار روز، کار و کاسبی محله «شیوا» نیز ضعیف شد و بعد از آن دیگر خبری از آنها نشد... حالا تمام محله، معابر و خیابان های «شیوا» تحت سیطره وانت بار های دست فروش شده است که اقدام به فروش میوه و سبزی می کنند. ترافیک، سد معبر، زباله و ده ها گرفتاری دیگر را آورد این وانت بار هایی است که برای فروش محصولات خود از هیچ راهی دریغ نمی کنند... قدم زدن در محله برای تازه وارد ها اعمال شاقه ای بیش نیست که از عهده آن به سختی بر می آیند. ترافیک و حجم بالای تردد خودروها در خیابان های پر از سد معبر و شلوغ، و هر تازه واردی را فراری می دهد... وقتی به کوچه های فرعی می کنیم دلما می گیرد از این همه نابرابری و فقر!...

### اقدامات نمادین

### برای نوسازی بافت فرسوده!

اشاره مستقیم به معابر تنگ و صعب العبور محله «شیوا» به خوبی حکایت از این دارد که خانه های زیادی در این محله فرسوده بوده و ارزش ملک نیز در این محله به همین اندازه پایین آمده است. املاکی های گویند بیشترین مشتری ها و متقاضیان خانه های اجاره ای یا باز شهر های «سبزوار»، «فراهان» و «باز دیگر شهرهای اطراف هستند و باقانی ها مراجعه می کنند. این موضوع تناسب فرهنگی محله را برهم زده و مشکلات عدیده ای برای اهالی قدیمی و بومی ایجاد کرده است. اصلا با قدم زدن در محله می توان متوجه چند پارچه بودن و تفاوت فرهنگ ها شد... کوچه های باریک و تاریک محله اقتدر بوی کهنگی و فرسودگی می دهد که اگر معنای در گوشه چارچوب خیابان در حال تزریق مواد مخدر باشد چندان تعجبی برای اهالی دارد. خانه ها اقتدر فرسوده هستند که هر لحظه احساس می کنیم آواران روی سرمان حواله می شود. «رضا فیض آبادی» دبیر شورایی محله می گوید: اگر بخوایم به مهم ترین معضل اشاره کنیم بدون شک معضل بافت فرسوده اولین و بحرانی ترین معضلات است. معضلاتی که با جان مردم و حتی امنیت زندگی مردم سرو کار دارد به طور حتم از اهمیت بیشتری برخوردار است. فرسوده بودن محله جاز از آسیب زلزله و تلفات بالا، در زمان وقوع حوادث آتش سوزی یا آرایه خدمات امدادی مثل تردد اورژانس و آمبولانس نیز بسیار در دسترس است. کوچه ها اقتدر باریک و کم عرض هستند که از کوچه های آشتی کنان هم گذشته اند... گرچه دفاتر نوسازی بافت فرسوده در محله مستقر شده است و هزار چند گاهای با مراجعه به محله و گرفتن تصاویری، اقدامات فرمالیته و نمادینی انجام می دهند، اما در واقع اقدام جدی و خروجی موثری نداشته اند. دادن قول های بی پایه و بی اساس از جانب دستگاه های دیگر مثل شهرداری، بانک و... مردم را سردرگم و نا امید می کند و آنها با مراجعه به بانک ها و گرفتن اطلاعاتی در مورد تسهیلات بانکی برای نوسازی بافت های فرسوده به این نتیجه می رسند که در کلیه خرابه خودشان بمانند و زندگی کنند بهتر از رفتن زیر بار قرض و وام های سنگین است.



### «شیوا» یا گورستان شبانه خودروها!

خیابان های اصلی که شب ها تبدیل به گورستانی از پارک خودروهای اهالی شده و هر یک از ساکنان خانه های تنگ و باریک محله گوشه ای را به سلیقه خود برای پارک خودرو انتخاب کرده اند... «هر شب و روز به خصوصی شب ها برای پارک باید دور تا دور محله را بگردیم و وقت صرف کنیم تا جای پارک پیدا شود. دیگر وقتی بچه هایمان در ماشین هستند وقتی از پیدا کردن جای پارک راحت می شوم جیب و داد و خوشحالی سر می دهند و شادی می کنند. حتی همسر سلام و صلوات می فرستد تا هر چه مسرعتن جای پارک پیدا کنیم. حالا معضل خانه های قدیمی یک طرف که معبری برای تردد خودرو در محله دارند و نه در خانه ها جای برای پارک داریم، خانه ها تازه ساخته شده هم به خاطر معمر های بسیار کم عرض از فضای پارکینگ برای انباری استفاده کردند و قسه پارکینگ آنها فقط یک سوخی خنند دار است. خودمان مشکل داریم، میوه فروش های وانت بار هم، اقتدر محله را شلوغ و پر بلا کرده اند که دیگر باید در محلات دیگری جای پارک پیدا کنیم. «فیض آبادی» دبیر شورایی محله شیوا در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» تاکید می کند: «قول تا مین پارکینگ به محله داده شده است و قرار بر این بود تا انتها پارکینگ محله در رویه روی مسجد «بابل تاز» طبقاتی شود، اما نه تنها این وعده عملیاتی نشد بلکه همین پارکینگ کوچک هم تعطیل شد. حتی آقایان کار خاک برداری از آن را انجام ندادند، حداقل همین پارکینگ هم موجود بود و مردم استفاده می کردند... اگر قرار بوده وعده تا مین پارکینگ طبقاتی محقق نشود چرا همین فرصت از مردم سلب شد؟»





## شکم گرسنه

## فرهنگ پذیر

## نیست

محل «شیوا» اسبزی ندارد. مردم برای هواخوری و تغییر آب و هوا جایی ندارند. درخت و فضای سبز مناسب؛ محله تنها یک بوستان ۶۰ متری داری دارد که به سختی می توان به آن بوستان رفت. خانه و مغازه های فرسوده تنها آثاری هستند که به چشم می خوردند و خانواده ها از این نظر بسیار فقیر هستند. «فقر مالی اهالی به کنار، وقتی محله فضای سبز، فضای بازی و ورزش ندارد پس فقیر و محروم است... همه کارگر هستیم و یا مستاجریم... یا در خانه های کالنگی زندگی می کنیم. انصاف نیست که از هر طرف تحت فشار باشیم. با همسایه ها و هم محله ای ها که دور هم جمع می شویم می گویند که صد سال اول زندگی سخت است اما واقعا خجالت زده زن و بچه هایمان هستیم از اینکه هیچ کاری نمی توانیم برایشان انجام دهیم...»

«فیض آبادی» دبیر شورایاری «شیوا» می گوید: «بارها در جلساتی که داشتیم اعلام کرده ام که فقر مالی و فرهنگی محله هر دو با هم به یک میزان اهالی را تحت تاثیر قرار داده است و شرایط سختی را بر ایمنان فراهم کرده است... تا زمانی که از میزان فقر مالی مردم کم نشود، نمی توان اقدامی برای افزایش فرهنگ یا کاهش فقر فرهنگی اندیشید. شکم گرسنه فرهنگ پذیر نیست. محله مردم محروم و گرفتار زیادی دارد... می دانیم که شهرداری وظیفه ای برای رفع فقر مالی ندارد، اما شهردار بداند که تا زمان برطرف شدن فقر مالی اهالی، نمی توان کاری کرد... دسترسی مردم محله به یک پارک امن و تمیز کمترین خواسته اهالی است که آنهم نادیده گرفته شده است...! وی ادامه می دهد: «باید پارک و فضای سبز، محله فضای ورزشی مناسبی هم ندارد که بچه ها را سرگرم کند؛ تنها ورزشگاه محله اگرچه در زمان احداث، اهالی را با سختی و مشکلاتی روبه رو کرد و همیشه گفته ایم که خاک آنرا اهالی صورت «شیوا» خوردند، اما اهالی هیچ بهره ای از آن نبردند. قبل از احداث این ورزشگاه قول هایی به مردم داده شده بود که مردم هم بتوانند در ساعاتی از روز از این باشگاه استفاده کنند اما متأسفانه با اجازه آن به سازمان ورزش، تا به امروز حتی یک سانس از آن به نفع اهالی به بهره برداری نرسیده است. محله از نظر هر امکاناتی بسیار ضعیف و فقیر است و هیچ روزنه امید و دلخوشی برای محله نشینان ندارد...»

## نوسازی با عبور از هفت خوان رستم!

اهالی می گویند که تسهیلاتی که هر از چندگاهی در قالب بخش تراکت به اهالی داده شده و قصد اطلاع رسانی در مورد آنها را دارند آنقدر سخت و دشوار است که می توان به جرات گفت باید برای گرفتن وام از بانک ها کفش آهنی پوشید و هفت خان رستم را رد کرد تا بتوان خانه ها را به کمک بخش های دیگر نوسازی کرد. ماهم بدمان نمی آید و دلمان می خواهد که در خانه های تمیز و راحت تری زندگی کنیم. بچه ها و نوه ها هم که با ما زندگی می کنند چاره ای ندارند آنها هم جوان هستند و تحمل شرایط برایشان سخت است. اما واقعا ماندن در همین خانه ها را به رفتن به زیر بار مسئولیت قرض، قسط و خانه به دوشی ترجیح می دهیم.

باقت فرسوده اگرچه اهالی زیادی را درگیر کرده است، اما در واقع فرسوده بودن بافت ها هم برای مالکان چندان اهمیتی نداشته و مردم محله با سبلی صورتشان را سرخ نگاه می دارند. معضلات اجتماعی و ناامنی های محله که همه از دل بافت های ناپایدار و فرسوده متولد شده است، اولین و بیشترین نگرانی های اهالی است. آسیب های اجتماعی زاده شده از کوجه های پر آسیب، به قدری ریشه ای است که امنیت محله و محلات همسایه را تحت تاثیر قرار داده است.

## جابه جایی یک آجر پیگیری می شود؛

## کاستی ها پیگیری نمی شوند!

«کرمی» فعال اجتماعی و عضو شورایاری محله «شیوا» تاکید می کند: وقتی در مورد فقر محله از نظر فضای سبز صحبت می شود، شهرداری اعلام می کند که شورایاریان شماره پلاک درخت های خشک شده یا در معرض آسیب را بدهند تا برای آن اقدامات مناسب انجام شود این صحبت و توقع بسیار غیر منطقی است؛ چه طور وقتی اهالی بخواهند برای نوسازی یا بازسازی، یک آجر جابه جا کنند، نیروهای شهرداری سریع متوجه شده و به محله یا خانه ما سرک می کشند. اما پیگیری معضلات مربوط به فضای سبز یا هزاران معضل دیگر را کار دشواری قلمداد می کنند. اهمیت دادن به فضای سبز یا هزاران معضل دیگر ارزش قابل شدن به جان مردم است چرا برای جان مردم ارزشی قابل نیستند؟

«فیض آبادی» دبیر شورایاری «شیوا» نیز در پایان خطاب به اعضای جدید شورای شهر تهران تاکید می کند: «از نمایندگان مردم می خواهیم که حداقل اولویتی برای مردم محروم تهران قابل باشند و پیگیری ها را تنها به برگزاری نشست و جلسات ختم نکنند. محلات محروم مشکلات متعددی دارند که نیازمند چاره اندیشی و بررسی همه جانبه هستند؛ مسئولان فقط قول و وعده ندهند. مرد از قول های متعدد خسته شده اند و اعتمادشان را از دست داده اند...!»

## آمار بالای

## معتادان زن و مرد

«محمد رضا کرمی» مشاور امور محله «شیوا» که از قدیمی ترهای محله بوده و شناخت خوبی نسبت به برخی از معضلات دارد در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» می گوید: اگر چه نمی توان اولویت های محله دسته بندی کرد اما مشکلات آنقدر زیاد است که خود به خود در فهرست اولویت دار ها جاگنجد می شود. اعتیاد اولین و مهمترین موضوع در محله «شیوا» است که متأسفانه با وجود ریشه ای بودن این آسیب، هیچ اقدام مناسبی در راستای کاهش آن انجام نشده است. تنها اقدام به گرفتن و جمع آوری دوروزه آنها ختم شده و بعد از آن همان معتادان و مواد فروشان اگر از محله «شیوا» سر در نیآورند به طور حتم سسر و کله شان در محلات دیگر پیدا شده و جرم های دیگری را مرتکب می شوند. آمار معتادان زن و مرد در محله بسیار بالاست حتی متأسفانه زنان و دخترهای جوان بسیاری آلوده شده و با این آسیب روبه رو شده اند. معتادها فقط دیگر مردان نیستند... زنان بسیاری درگیر شدند و به طور حتم آمارشان بسیار بیشتر از آن چیزی است که در کوچه و خیابان به چشم می خورد. بسیاری از آنها به خصوص زنان و جوانان از ترس ریختن آبرو در خانه ها مانده اند و پنهان هستند. تمام این آسیب ها تبعات محله بدون امکانات رفاهی و خدماتی است. پارک، فضای ورزشی، فضای بازی و... که در محله نباشد، تفریح نباشد، معضلات اجتماعی راحت تر ریشه می کند.»



## ۱ «سر آسیاب دولاب» هم «سر آسیاب دولاب قدیم»!

تجربه اولین برخوردمان با جمعی از سالمندان که روی بله های یک مغازه نشسته اند چندان خوب نبود، گرچه آنها به مهمان نواز بودن اهالی اشاره کردند، اما روی سخنشان را به مهمان های غریبه ای دادند که هر از چند گاهی وارد محله می شوند، عده می دهند و بعد از گرفتن عکس تبلیغاتی در زمان انتخابات، همه قول و قرارها را فراموش کرده و می روند... پیرمردی می گوید: اینجا اجداد من زندگی می کردند... حداقل در گذشته هر چه که نداشتیم، خانه ها بدون تشریفات بود؛ آبرو داشتیم، ناموس داشتیم، زن و بچه مان آرامش داشتند، اما حالا اصلا محله مثل قبل نیست. «سر آسیاب دولاب» هم «سر آسیاب دولاب» قدیم، مهمان که بر ایمان می آمد آبرو داری میگردیم، اما حالا محله انقدر مشکل دارد که از ترس آبرو مهمان هم دعوت نمی کنیم، با هر کدام از دوستان پیرمرد که صحبت می کنیم ناراضی هستند و می گویند این صحبت ها چه فایده دارد؟ این همه حرف زدیم، چانه خسته کردیم، چه شد؟ شما هم می روید و فردا یکی دیگری می آید...

## ۲ مردم خسته از حرف زدن بی نتیجه

با اینحال کفش آهنی مان را محکم تر کردیم و به دل محله رفتیم، کوچه ها همه انقدر باریک بودند که تیم خبری مان به شکل یک صف باریک، پشت سر هم راه افتادیم... کوچه ها آنقدر کم عرض هستند که هیچ کدام نمی توانیم از دیگری جلو بزنیم، این کوچه ها اولین زنگ خطر بعد از وقوع هر حادثه یا زمین لرزه هستند، تعدادی از همسایه ها که به برون از منزل ایستاده اند تمایلی به صحبت کردن در مورد معضلات ندارند و با گفتن این جمله که «آقا مون راضی نیستن» چادر را محکم تر روی سرش نگاه می دارد و می رود، زن میانسالی جلو تر می آید و می گوید: خیلی با دقت به در و دیوارهای کوچه، خیابان و دور و اطرافتان نگاه کنید، فقط در و دیوارها را نگاه نکنید... سرتان را هم پایین بگیرید تا خیلی خوب با معضلات آشنا شوید... شنیدن کی بود مانند دیدن؟ خیلی خوب نگاه کنید... مشکل از زمین و آسمان می بارد... اصلا منت اهالی را کشید که حرف بزنند، مردم این محله هم از حرف زدن خسته شدند و حال دردی تفاوتی به سر می برند...

## ۳ زلزله و خطر برای ۱۰۰ هزار نفر!

انتهای کوچه ای یک نیم و یک متری ساختمان های ۴-۵ طبقه سبز شده و حاج و واج مانده ایم از این آبار تمان ها که در این کوچه های باریک قد علم کرده اند... کوچه دیگری آنقدر ملک مخربه دارد که همان تعداد محدود خانه های فرسوده هم وصله ناجور کوچه هستند، بله! این محله بافت فرسوده و قدیمی زیادی دارد... «حسین حاجی قربان» دبیر شورا یاری محله «سر آسیاب دولاب» که دبیر دبیران شورا یاری منطقه ۱۴ نیز از دیگر مسئولیت های او بوده، بزرگترین معضل محله را به مساله بافت فرسوده پیوند داده و به خبرنگار «پدیده شهر» می گوید: محله «سر آسیاب دولاب» بیش از ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد و از قدیمی ترین محلات منطقه ۱۴ محسوب می شود که سابقه اش به بیش از ۵۰۰-۶۰۰ سال بر می گردد، در کوچه های یک متری محله، ساختمان هایی کوچک با قدمت ۵۰ سال به بالا وجود دارد که بیشتر آنها با زدن سقف های کاذب، دو طبقه شده و حتی در زیر بله و زیر زمین هانیز خانواده هایی سکونت دارند، منطقه ۱۴ حدود ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که ۲۰ درصد از این جمعیت بنا به آمار مستند شهر داری، درگیر معضل بافت فرسوده هستند؛ در واقع بر اساس آمار تخمینی، از این تعداد جمعیت، ۱۰۰ هزار نفر دچار آسیب هستند که اگر زلزله ای در تهران رخ دهد، فاجعه به بار می آید، بیشترین جمعیت ساکن در منطقه ۱۴، مربوط به نواحی یک، ۲ و ۴ است که از میان این سه نواحی، ناحیه ۲ یعنی «سر آسیاب دولاب»، به دلیل وسعت جمعیت بیشتر مشکل را از نظر بافت فرسوده دارد که با وجود این تهدید بزرگ، عملکرد اداره و دفاتر نوسازی در محله نیز از کارنامه و عملکرد دفاعی در این ارتباط برخوردار نیستند.

## ۴ بدون شک همه افسرده هستیم!

محله «سر آسیاب دولاب» از معضل نبود فضای سبز مناسب و امن خجالت زده بوده و درست از نگاه اهالی، با این وضعیت محله جان ندارد، نفس و طراوت ندارد، محله فرسوده و زشت است... «بالای شهر» که می رویم جدا از فضای سبز دلپاز، فضای کوچه و خیابان هانیز درخت کاری شده اند، ما اصلا فضای آزادی هم نداریم که خودمان دست به کار شویم و فضای سبز درست کنیم، نه بوستان داریم نه میدان کوچکی که بگوییم محله مان فضای سبز دارد، یکی از همسایه ها که دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی است، گفته اگر از بانوان و حتی جوانان و جوانان اهالی تست افسردگی بگیرند، بدون شک همه افسرده هستیم... بچه ها جز همین خیابان و کوچه جایی برای تفریح ندارند، همه جا خانه و آجر می بینیم، هیچ تفریح و دلخوشی بر ایمان نیست، نه یک مرکز خریدی، نه پاساژی...»



## گزارش «پدیده شهر» از مشکلات محله محروم «سر آسیاب دولاب»

# فرار از فرسودگی!

در این محله کسی ترغیب نمی شود

از دلبستگی به خانه دل بکند...

محله «سر آسیاب دولاب» که سوژه این شماره از «هفته نامه» بود، نه به خاطر برجستگی و امتیاز فاضلش در منطقه ۱۴، بلکه به خاطر بسیاری از مشکلاتش انتخاب شد تا صدای مردم، اهالی و نمایندگان مردم در شورا یاری انعکاس داده شود، واقعیت امر این است که هر چه در مورد این محله شنیدیم مکاتبت از سقز، محرومیت، کاستی و... داشت، انگشت اشاره مان بر روی هر موضوعی که ماند، انزوی منفی اش تمام وجودمان را گرفت... اصلا قرار نیست با آوردن سابقه محله «سر آسیاب دولاب» و خدمت بی منتها یا تالیفیه اش، از مق کلام کم کنیم، چه بسیار گزارش و مطالبی که به تاریخ و سابقه محله، اقتصاد پیدا کرده و فوندانده هستند، اما این گزارش صرفا به مرفها و مصیبت های مردم ناراضی و نگران اقتصاد دارد.



## دلما ن می خواهد یکی از مسئولان را ببینیم!

«محمد حسین مز بنانی» از اعضای شورای یاری محله به خبرنگار «پدیده شهر» نیز می گوید: «بستر و فرصت احداث زمین بازی و فضای سبزی در محله وجود دارد که با وجود پیگیری های مداوم، هیچ گونه نتیجه ای در مورد ساماندهی این زمین ها به دست نیامده است. تیمی از اعضای شورای یاری در این ارتباط مذاکراتی با اعضای شورای شهر و شهرداری داشته اند که زمین ۶۰ هزار متری بدون استفاده در محله به یک فضای فرهنگی، فضای سبزی و ورزش برای مردم محله تبدیل شود، اما این زمین هم به سر نداشت زمین های دیگر تبدیل شده

## آپارتمان های

## ۵ طبقه در

## کوچه های

## دو یا ۳ متری!

در کنار تمام کاستی های محله، باید به معضل نبود پارکینگ هم اشاره داشت. پارکینگ آپارتمان های ساخته شده در معابر پارک، به انباری تبدیل شده و عملاً استفاده دیگری برای مردم نداشته اند...»  
برای خرید یک گونی حمل زباله که تنها ۵ هزار تومان است، ۳۵ هزار تومان پرداخت کردم چرا که به خاطر نبود جای پارک مناسب، توسط پلیس جریمه شدم... محله بدون پارکینگ نظم ندارد و مردم به صورت مداوم دلهره بری پیدا کردن پارکینگ دارند... «محمد حسین مز بنانی» عضو شورا یاری ادامه می دهد: ساخت و ساز آپارتمان های ۵ طبقه در کوچه های دو یا ۳ متری آنقدر معضل ساز شده اند که نبود پارکینگ به تنهایی می تواند یک محله را از یاد آور د. بارها در اخبار شنیده ایم که شهرداران در سفرهای خارج از کشور به شهر یا کلان شهرهایی سفر می کنند و تجربیات دیگر کشورها را آشنای می شوند، سوال داریم که چرا تجربه های موفق شهرهای دیگر در ارتباط با تأمین پارک خودرو استفاده پارکینگ در محله وجود دارد که متأسفانه راینی و همکاری در ارتباط وجود ندارد. استفاده از تجربیات کشورهای دیگر می تواند در این زمینه بسیار موثر باشد.

مشکل عدم دسترسی مناسب محله نشینان «سر آسیاب دولاب» به ایستگاه های مترو از مشکلات مطرح شده توسط اهالی بود که اعلام می کردند نزدیک ترین ایستگاه مترو به محله، ضلع شمالی میدان پیروزی در منطقه ۱۳ شهرداری یعنی ایستگاه «شیخ الرئیس» است که مردم در مسیر دسترسی به این ایستگاه با مشکلاتی در تردد روبرو هستند و بسیاری از ارادل و اوباش نیز در این محدوده مزاحمت هایی را ایجاد می کنند که خواستار رسیدگی مسئولان نیروی انتظامی در این زمینه بودند.

بر اساس این گزارش، اگرچه معضلات پیش روی محلات منطقه ۱۴، از نظر یکسان بودن و گسترده گی آنها، بسیار مشابه با سایر محلات بود، اما در این پرونده رد پای اهمال کاری و اثر انگشت بی توجهی مسئولان ثبت شد...

## مردم را از هم تفکیک نکنیم

در محله که راه می رویم کودکان و حتی نوجوانانی که به راحتی می توانیم بفهمیم از سوء تغذیه رنج می برند به چشممان می آید که کیسه و گونی های زباله را جایی مخفی می کنند و هر بار که گاری هایشان پر از ضایعات شد آنها را در جای اصلی تخلیه می کنند... از صبح زود زباله گردی را شروع می کنند تا حوالی نیمه شب که وانت بارهای حمل زباله و ضایعات از راه برسد، زباله ها را تحویل دهند و حقوق شان را با وزن کردن گونی های بزرگ تعیین کنند. «مز بنانی» عضو شورا یاری محله در این ارتباط تصریح می کند: «بچه های ضایعات جمع کن که همه یک تیم هستند، چهره محله را بسیار زشت کرده اند. شب ها گونی های بسیار بزرگی در کوچه پس کوچه ها گذاشته می شود و نمای کوچه ها زشت تر می کنند. معتمدان و کارکن خواب های زیادی هم در کنار همین بچه ها اقدام به جمع آوری و فروش ضایعات می کنند.»

وی با انتقاد از اعضای شورای شهر تهران، یکی از اعضای شورای شهر تهران را خطاب قرار داده و می گوید: «ضمن احترامی که برایشان قابل هستم، از ایشان دلخوردیم به همین جهت چرا که ایده تشکیل شورای یاری ها ایده ای بی فایده و نامناسب بود و شورا یاری ها از جایگاه قابل قبولی برخوردار نیستند... زمانی که در مورد کاستی ها و فقر محله از نظر فضای سبزی، فضای بازی و ورزشی اطلاعاتی به ایشان و سایر اعضا دادیم و اعلام کردیم که کاش از زمین های خالی و بدون استفاده نیز برای خدمت رسانی به مردم بهره برداری شود ایشان اعلام کردند که تهران فقط از محدوده «سید خندان» به بالاست و این صحبت ایشان شورا یاران را بسیار تحت تاثیر قرار داد و آنها را دلگیر کرد. البته به باشان اعتراض کردیم که الله و اکبر های مابین نماز، شرکت در راهبیمایی و نماز جمعه شهیدان مدافع حرم و... توسط باین شهری انجام شده و آنها به گردن کل تهران حق دارند... بدون شک تفکیک کردن مردم محلات از یکدیگر، زخم های جبران ناپذیری به مردم وارد می سازد همانطور که حالا کوچه های محضلات و آسیب های نصیب باین شهری ها شده است و تنها اقدامات صورت گرفته به لکه گیری های موردی خلاصه می شود.»

## از باغ گل چیزی نماند

«حسین حاجی قربان» دبیر شورای یاری محله «سر آسیاب دولاب» نیز فقر محله از نظر فضای سبزی را بسیار جدی می داند و می گوید: با وجود اینکه محله «سر آسیاب دولاب» در گذشته به «باغ گل» معروف بود، تنها دو محدوده کوچک با لچکی ۲۰۰ متری سبزی داریم که آنهم در طرح قرار گرفته و به زودی تخریب می شود. تمام باغاتی که شاید در خاطره و حافظه قدیمی های محل مانده، به آپارتمان تبدیل شدند. بارها مسئولان شهری و شورای شهر را پای کار آوردیم و به آنها اطلاع دادیم که درخت و باغ های زیادی در حال تخریب هستند و مسئولان مربوطه هم اگر چه از اطلاع رسانی ما تقدیر می کردند و قول می دادند که اجازه ساخت و ساز داده نخواهد شد، اما عملاً هیچ برخوردی در این راستا نداشته و عامل بازدارنده نبودند.

وی در ادامه به معضل نبود فضای مناسب برای ورزش جوانان، نوجوانان و کودکان اشاره کرده و تصریح می کند: «شهرداری تهران طی سال های زیادی در تمام حوزه ها وارد شد و سازمان های مختلفی را حمایت کرد در حالی که اگر زمین های متروک و مخروبه را خریداری کرده و امکانات رفاهی مردم را تأمین می کرد، درگیر این همه معضل و کاستی در محله نبودیم. بانوان محله بارها به شورا یاران گفته اند که امکان پیاده روی و انجام ورزش صبحگاهی در همین لچکی های کنار خیابان را ندارند و معتمدان زیادی در این فضا و فضاهای بی دفاع زیادی، خواب بوده و یا در حال تزریق مواد مخدر هستند. تعدادی از خانم ها که مسئولیت کمتری دارند برای انجام ورزش صبحگاهی و حتی ورزش های دیگر به محلات دیگر می روند اما این امتیاز شامل حال تمام بانوان نمی شود. متأسفانه محله «سر آسیاب دولاب» نیز معضلات مشابه با مناطق و محلات دیگر مثل زدی، سرقت، چاقو کشی، با توفیق معتمدان و بسیاری از آسیب های دیگر را تجربه کرده است.»



## فرصت ها و کاستی های

### محلّه «صاحب الزمان» در یک نگاه

۱ محلّه «صاحب الزمان» واقع در مرکزی ترین محدوده منطقه ۱۴ گرچه شرایط نسبتاً بهتری نسبت به سایر محلات منطقه دارد، اما معضلات زیر ساختی محلّه افق دراز است که عدم پیگیری آنها می تواند این محلّه را همچون سایر محلات، در گودالی از آسیب های اجتماعی فروبرد. وجود قبرستان ارمنه در محدوده شمالی محلّه «صاحب الزمان» عج و در خیابان شهید «احمد رضایی تاجری» محلّه را با بسیاری متفاوت تراز خیابان های مجاور و محلات دیگر کرده است. نام این قبرستان در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده و قدمت آن به اوایل دوره قاجاریه می گردد. با توجه به قدمت و ارزش تاریخی این قبرستان، ضرورت دارد تا مشکلات آن نیز مورد توجه قرار گیرد.

## ضرورت آبادانی قبرستان ارمنه

۲ «قاسم قدیمی» دبیر شورایی محلّه «صاحب الزمان» در این ارتباط به خبرنگار «پدیده شهر» تأکید می کند: «خوشبختانه این قبرستان موقعیت محلّه را از تقادده و از شهرهای زیادی برای بازدید از قبرستان به محله می آید. اما به موازات اهمیت و استقبال از آن، به مشکلات عمرانی آن رسیدگی چندانی نمی شود که از طریق تربیون این رسانه، از مسئولان می خواهیم تا در حوزه عمران، آبادانی، پیاده سازی و... اقدام کنند؛ درختان این قبرستان قدمتی ۵۰ ساله داشته و لازم است آبیاری درختان به صورت مکانیزه صورت گرفته و فضای سبز آن نیز افزایش یابد. این قبرستان فرصت و سرمایه خوب محله بوده و از مناطق بالای نیز گردشگرانی جذب شده اند؛ بدون شک رسیدگی به این فضا، سطح فرهنگی و اجتماعی محلّه را نیز افزایش خواهد داد؛ آنجایی که تحقیق و تفحص در دین اسلام اولویت زیادی دارد، رسیدگی به این فضا، حضور گردشگران، محققان و علاقه مندان را بیشتر خواهد کرد... متأسفانه نبود نگاه ویژه و جدی به این اثر تاریخی، موجب تخریب برخی از آثار و مقبره های تاریخی شده است و قول مسئولان برای بازسازی های در حد و عده و بدون عمل واقعی مانده است.»

## آتش زیر خاکستر

۳ با وجود آنکه بسیاری از محلات منطقه ۱۴ با معضل کم بودن سرانه های فضای سبز و کاستی های فراوان در این ارتباط روبه رو بودند، اما محله صاحب الزمان «عج» از این نظر وضعیت نسبتاً بهتری داشته و مشکل چندانی ندارد. اما کم بودن فضای بازی و ورزش از جمله معضلات اشاره شده توسط مردم و محله نشینان بود... «محله بوستان هایی دارد، اما جای بازی برای بچه ها نیست، نسبت به محلات دیگر تعداد معنای آن کارتن خواب ها کمتر است، اما باز هم در محله ای از منطقه ۱۴ زندگی می کنیم که معضل اول آن اعتیاد است... اگر در این ارتباط در سطح منطقه اقدام اساسی نشود، محله ما هم مثل محلات دیگر درگیر خواهد شد... نگران بچه هایمان هستیم که در خیابان و کوچه های بازی می کنند. بچه دزدی هم که زیاد شده است. جای از آن نگران تر دد خودرودر هادر کوچه های کم عرض هستیم که بچه ها توپ بازی می کنند... همه نوع تفریحی داریم... فضای خانه های آپارتمانی برای بچه ها طاققت فرسوده... جایی برای تخلیه هیجان و انرژی هایشان ندارند...»

### گزارش «پدیده شهر» از محلّه «صاحب الزمان» منطقه ۱۴

# اینجا هوا برای نفس کشیدن کم است!

## فرصت ها و تهدیدهای قبرستان «ارمنه» برای محلّه «صاحب الزمان»

### به نام مدد سرای سالمندان به کام معتمدان!

## نبود زمین بازی و بافت فرسوده پالاش های اصلی محلّه صاحب الزمان

### وقتی زمین ورزش میدان میوه و تره بار می شود

## گرم خانه یا

### مدد سرای سالمندان؟

۴ در عین حال، اهالی محلّه به خوبی اشراف دارند که هنوز بسیاری از آسیب های اجتماعی موجود در محلات دیگر، در محلّه صاحب الزمان همه گیر نشده است اما نسبت به وجود یک مرکز، که کار نیکه داری معتمدان را انجام می دهد ابراز نگرانی کرده و تقاضا دارند که وضعیت این گرم خانه برای اهالی ساکن در محله شفاف سازی شود... «درست نمی دانیم که اینجا گرم خانه است یا مرکز ترک اعتیاد؛ تابیلوی ورودی ساختمان که به نام «مدد سرای سالمندان» نامگذاری شده و مشخص نیست که معتمدان به چه دلیل در این ساختمان تردد دارند... صبح و شب هم از دست آنها آزار نمی خوریم، گاهی در تمام کوچه و خیابان ها مرکز گله شان پیدا می شود و فضا را برای اهالی نام می کنند... بعضی از اهالی هم می گویند که این ساختمان کارگاه شهرداری برای احداث اتوبان امام علی (ع) بوده و خوشبختانه معتمدان قرار گرفته است. «قاسم قدیمی» دبیر شورایی محلّه «صاحب الزمان» نیز نسبت به این معضل محلّه ابراز نگرانی کرده و تأکید می کند: «متأسفانه مرکز مدد سرای سالمندان در محله به مرکز گرم خانه و تکه داری معتمدان تبدیل شده و پس از تعطیلی گرم خانه، معضلات زیادی را برای اهالی و محله به وجود آورده اند؛ زورگیری، اختطاف، سرقت و... از جلوه های زشت این محدوده است در حالیکه رویه روی این مرکز حوزه علمیه «قاسم بن الحسن» و اطراف آن مدرسه دخترانه و پسرانه قرار دارد. در این ارتباط با اعضای شورای شهر تهران نامه نگاری شده و انتقاد آتمان مطرح کرده ایم اما این معضل همچنان در محله باقی جا است.»

## راه اندازی میدان

### میوه و تره بار روی زمین بازی!

۵ «قاسم غفاری» شورابار محلّه «صاحب الزمان» در گفت و گو با خبرنگار «پدیده شهر» در ارتباط با معضل کمبود فضاهای ورزشی مناسب برای تمام قشرهای سنی می گوید: «تجربه منطقی و موثر کشورهای دیگر نشان داده است که وجود فضاهای ورزشی مناسب و رایگان برای تمام گروه های سنی در کاهش آسیب های اجتماعی موثر بوده و به همین دلیل در این راستا سرمایه گذاری هایی صورت می گیرد. اما متأسفانه در کشور ما در پایتخت در این زمینه سرمایه گذاری نشده و حتی فرصت های محله را هم از بین می برند... در حال حاضر زمین ورزشی محلّه برای درآمدزایی بیشتر به میادین میوه و تره با تبدیل شده و توجهی نیز به فضای کاربردی آن نشده است. وقتی محلّه از این نظر کاستی دارد، چرا باید این فرصت برای اهالی محل سوخت شود؟ شهر داری از یک طرف در آمدزایی کرده و از سوی دیگر با تخلیه نشدن انرژی بچه ها و نوجوانان، بسیاری از مشکلات را در آبادی ایجاد خواهد کرد که برای جلوگیری از پیشرفت یا درمان بسیاری از آسیب های اجتماعی باید هزینه های زیادی را متحمل شد. در این زمینه پیگیری و رازینی های گسترده ای صورت گرفته اما کمیاب مسئولان در این ارتباط دفعه ای نماندند. اهالی محلّه، بانوان، کودکان، نوجوانان و تمام گروه های سنی به فضاهای رایگان برای ورزش نیاز دارند و این مساله حکم طبیعی هر شهروند است.»

۶ «قاسم قدیمی» دبیر شورایی محلّه نیز تأکید می کند: «سالن ورزشی «مهرورزان» حدود ۱۰ سال گذشته توسط شهردار سابق تهران افتتاح شد اما یک سال بعد از بهره برداری، به شرکت واحد اتوبوسرانی تحویل داده شد که در این ارتباط مذاکرات زیادی با شهرداری و شورای شهر تهران انجام شد تا این ورزشگاه به کاربری اصلی خود بازگشته و در اختیار شهروندان قرار گیرد اما هنوز اقدامی در این راستا صورت نگرفته و مردم محله با داشتن توان مالی محدود، امکان استفاده از کلاس های گران قیمت را ندارند.»

## کلاس های جشن پاکی معتمدان نیازمند حمایت است

۷ حضور معتمدان و کارکنان خواهرهاگر چه محلات محروم زیادی را درگیر کرده است اما خوشبختانه وضعیت محلّه «صاحب الزمان» از این منظر چندان حاد نشده است. در حالیکه فعالان اجتماعی و شوراباران اعتقاد دارند که محله از این نظر آتش زیر خاکستر بوده و ممکن است به زودی مشکلات سایر محلات به اینجا نیز سرایت شود... درست مثل محلات شوش، هنردی و... که با طرح های خطرناک و بدون اصول، مشکلات محلات اطراف را تشدید کرده اند. وقتی سروکارمان به محلات اطراف می افتد خدا را شکر می کنیم که انقدر معتمد در محله خودمان نمی بینیم. اما باز هم بعضی روزها پارک های محله یا تونل بعضی از معتمدان شده و مشخص است که شب را در پارک سبزی کرده اند.

۸ «قاسم غفاری» عضو شورابار محلّه «صاحب الزمان» با اعلام اینکه معناد یک بیمار است و به توجه نیاز دارد تصریح می کند: پشت قبرستان ارمنه، کلاس های انجمن معتمدان نام (NA) برگزار می شود و فضای این کلاس ها از شرایط خوبی برخوردار نیستند. در این کلاس هابیش از ۲۰۰ معتمد که دوران پاکی و عاری از مواد مخدر دارند شرکت کرده و در جشن های تولد این کلاس ها، حدود ۴۰۰ معتمد و فرد آسیب دیده حاضر می شوند. محل برگزاری کلاس ها سرپوشیده نبوده و در زمستان سرد و تابستان ها بسیار گرم هستند. این درحالی است که مناسب نبودن کلاس ها باعث بیزش تعداد زیادی از شرکت کننده ها و لغزش آنها به سمت مواد مخدر و اعتیاد می شود. معنادانی که در این کلاس ها حاضر می شوند تجربه سرعت، خفت گیری و هزاران تجربه دیگر را در پرونده و کارنامه خود دارد و این کلاس ها آنها را از تکاب به بسیاری از جرائم و تخلفات دور نگاه داشته است. اگر شهرداری و مسئولان دیگر برای فضای کلاس های این انجمن فکری کنند، تنها محله بلکه منطقه ۱۴ و حتی و محلات با مناطق دیگر را هم از این آسیب اجتماعی معصوم نگاه خواهد داشت. جمعیت سن و سال دار میان شرکت کنندگان این کلاس ها زیاد است و امکان حضور در کلاس های سرد و بدون امکانات برایشان فراهم نیست؛ به معنای هم چون یک بیمار نگاه کنیم تا بتوان به آنها فرصت بازسازی و بازیابی داد.»



## درخواست حضور اعضای

### شورای پنجم

## در میان مردم محلات

۹ «قاسم غفاری» شورابار محلّه به بعد دیگری از معضلات محلّه اشاره می کند و می گوید: «سراهای محلّه فرصت و بستری خوبی برای اطلاع رسانی و فرهنگ سازی بین مردم بسیاری از مسایل هستند. به عنوان مثال رعایت فرهنگ آپارتمان نشینی، قواعد راهمائی و راندگی، فرهنگ ترافیکی، جداسازی زباله تر از خشک و بسیاری از مسایل دیگر مثل آموزش مهارت های زندگی و... باید در این فضاها به شهروندان آموزش داده شود. متأسفانه نه تنها اهالی محلّه «صاحب الزمان» بلکه در تمام محلات، اطلاعات کافی در مورد زیبا سازی شهر و رعایت برخی از اصول وجود نداشته و به عنوان مثال فضای خانه که مشرف به فضای بیرونی محلّه است، از آلودگی بصری زیادی برخوردار است. آموزش فرهنگ آپارتمان نشینی و همسایه مداری از اهمیت بسیاری برخوردار است که آموزش آن در سراسر محلات تهران ضروری است.»

وی در ادامه خطاب به اعضای جدید شورایی شهر تهران تصریح کرد: «از اعضای جدید تقاضا داریم که برای بررسی مشکلات محلّه و معضلات به صورت میدانی و حضوری اقدام کرده و با شهروندان نیز در مورد مشکلاتشان صحبت کنند، متأسفانه در مقام انتقاد باید اعلام کنیم که اعضای شورای شهر تهران معمولاً به وعده های قبلی خود عمل نکرده و آنها را فراموش می کنند... عمل به وعده و قول های زمان انتخابات می تواند اعتماد اهالی را بیشتر و آنها را دگر کند.»



# کوچه‌ها باریکن

## طاقا شکسته!

جس کار شوراییاران به گونه ای است که این افراد به دلیل آشنایی عمیق آنها با محلات و مشکلات، بزودتر خدمت مشاوران معتمد و توانمندی به حساب می آیند که می توانند مهره اصلی و دست راست مسئولان برای خدمت رسانی بهتر به شهروندان محسوب شوند. گفت و گوی «پدیده شهر» با «حسین حاجی قربانی» دبیر شوراییاران منطقه ۱۴ و دبیر شوراییاری محله «سر آسیاب دولاب» که تنها اشاره ای به معضلات منطقه و اولویت های آن دارد، بلکه نوعی مشاوره نیز به حساب می آید که این فعال اجتماعی آن را به صورت رایگان در اختیار مخاطبان نشریه قرار داده است. متن این گفت و گو به صورت بکته ای در ادامه می آید:

● تکمیل بزرگراه شهید «شوشتری» تکمیل تونل روگذر و زیر گذر «میر کیسیر» و تکمیل طرح جمع آوری آب های سطحی در خیابان «خاوران»، از اصلی ترین نیاز شهروندان منطقه است که تکمیل هر کدام می تواند نه تنها برای شهروندان منطقه، بلکه برای اهالی شهر تهران خدمت بزرگی باشد.

● منطقه ۱۴ حدود ۵۰ هزار نفر جمعیت دارد که ۲۰ درصد از این جمعیت بنا به آمار مستند شهرداری، درگیر معضل بافت فرسوده هستند؛ در واقع بر اساس آمار تخمینی از این تعداد جمعیت، ۱۰۰ هزار نفر دچار آسیب هستند که اگر زلزله ای در تهران رخ دهد، فاجعه به پار می آید. بیشترین جمعیت ساکن در منطقه ۱۴، مربوط به نواحی یک، ۲ و ۴ است که از میان این سه ناحیه، ناحیه ۲ یعنی «سر آسیاب دولاب» به دلیل وسعت جمعیت بیشترین مشکل را از نظر بافت فرسوده دارد که با وجود این تهدید بزرگ، عملکرد اداره و دفاتر نوسازی در محله نواحی یک، دو و چهار، قابل دفاعی در این ارتباط بر خوردار نیستند.

● اگر چه دفاتر سازمان نوسازی در محلات منطقه ۱۴ به صورت فرایتر تر، در بسیاری از محلات محروم مستقر شده اند، اما بسته ها و تسهیلات این دفاتر باید به گونه ای باشد که وقتی مالکان نام تشویق را می شنوند، برای نوسازی جذب شده و صرفه مالی و معنوی مردم نیز در نظر گرفته شده باشد. بسته های فعلی سازمان نوسازی ویژگی منحصر به فردی برای ترغیب مردم ندارد؛ وقتی در یک خانه ۵۰ متری، ۲ خانوار زندگی می کنند و به آنها گفته می شود که با جمع خاله های همسایه، یک طبقه اضافی

نیز به آنها داده می شود، تنها همین یک طبقه برای مالکان صرفه مالی ندارد. بسیاری از مالکان به خانه های قدیمی وابسته هستند و اعلام می کنند که یادگار همسرشان، فرزندشان، شهیدشان و... است، به همین دلیل تمام تشویق های توانمندی برای نوسازی باشد. پس تسهیلات و بسته های تشویقی باید به معنای واقعی کلمه تشویق کننده باشند. این که با جمع ۴ ملک ۵۰ متری، یک طبقه اضافی به صاحبان چهار ملک داده می شود، صرفه ای در برابر دلبستگی آنها به خانه هایشان نیست.

● مشخص نیست که چرا از ابتدای شروع بحث نوسازی بافت فرسوده، اعزاز به جمع و آپارتمان سازی وجود داشته. چه ایرادی دارد که مالکان خانه ها آن گونه که دلشان می خواهد و تمایل دارند، مجوز بازسازی و نوسازی خانه های فرسوده خود را داشته باشند، اما با پیش شرط انجام کار اصولی و ایمنی کار را شروع کنند. درست است که تمایل خانواده ها به زندگی آپارتمان نشینی بالاست، اما چنانچه نمونه آن در بسیاری از کوچه ها وجود دارد، احداث برج در خیابان های با عرض ۸ متر تنها معضلات آپارتمان نشینی و فرهنگی محلات و مناطق را افزایش می دهد. نظر شخصی بنده این است که به جای اصرار به جمع و آپارتمان سازی، ابتدا معیار اصلاح شود و بعد نسبت به رعایت اصول ایمنی ساخت اصرار کنیم، چرا که نیاز مردم به ایمنی به مراتب بیشتر از واحد های آپارتمانی ۱۰۰ متری است.

● بحث دیگر در ارتباط با نوسازی بافت های فرسوده این است که همان قوانین و الزامات نوسازی موجود در مناطق بالای تهران، برای محلات پایینی اجرا نشود. نباید مشکلات مناطق را از این زاویه مثل هم نگاه کرد و نمی توان برای همه یک نسخه واحد پیچید. برابر نگاه کردن به محلات و مناطق و تنها جواب نامی دهد، بلکه مناطق را با مشکلات عدیده روبه رومی سازند. درست مثل جلیقه نجاتی که می تواند همه از غرق شدن نجات دهد، اما یک ماهی را خفه کند. هر کدام از مناطق بر اساس فرهنگ، نوع زندگی و شرایط مردم به بسته های مجزا و پیوسته های متفاوت نیاز دارند. برای تمام مناطق نسخه واحد اجرا نشود.

● معضل وجود معاندان، مواد فرشان، مجرمان، کارکنان خواب ها و نیز از آسیب های اجتماعی مشترک میان تک تک محلات منطقه ۱۴ و تمام مناطق تهران است. این

معضل ریشه تمام مشکلات و آسیب های اجتماعی دیگر است. صحت و اعتراض شوراییاران و حتی مردم این است که نیروی انتظامی و بعد از آن قوه قضائیه معاندان را بعد از دستگیری مجدد، رها کرده و آنها را از مناطق دیگر در می آورند. باید اعلام کنیم که یک عزم جدی و هماهنگ برای حل ریشه ای این معضل وجود نداشته و اگر یک بعد آن حل شود، ابعاد دیگر آن ریشه می کند. شهرداری تهران و مدیریت قبلی در این راستا به وظایف خود تاحد زیادی عمل کرد. به اعتقاد شخصی بنده، وظیفه شهرداری جمع آوری زباله و نخاله از شهر، معابر و خیابان ها است. معاندان باید از سطح محلات جمع آوری شوند.

● در تمام دنیا کار جمع آوری و اسکان موقت معاندان و کارکنان خواب هابر عهده شهرداری بوده و در عین حال در این کشور ها مدیریت واحد شهری وجود دارد، اما در کشور ما وقتی شهرداری بخواهد در راستای وظایف ذاتی اش عمل کند، نبود مدیریت واحد شهری، شهرداری را با شکست روبه رومی سازد. این تجربه در تهران وجود دارد. شهرداری به صورت یک تکه در بحث آسیب های اجتماعی ورود کرد در حالی که حمایت و پشتیبانی عملی سازمان های دیگر مثل، کمیته امداد، نیروی انتظامی، وزارت کشور، ستاد مبارزه با مواد مخدر، قوه قضائیه و... نیاز داشت. در این عرصه، جمع آوری و نگاه داری معاندان در گرم خانه ها به تنهایی توسط شهرداری بی فایده بود و به حمایت بقیه مسئولان نیاز دارد. در این عرصه یک دست صداندارد. یک بار برای همیشه می توان از معضلات مربوط به معاندان کم کرد. دزد و معنادی که دستگیری می شوند چرادرآوار، به جامعه برمی گردند؟ اینکه اعلام می کنند معنادی کم «بیمار» است، در مورد تمام آنها صادق نیست. این یک شعار اشتباه است. معنادی که به خاطر تامین خرج مواد مخدر از زن و بچه مردم سرقت می کنند، از دیوار مردم بالای می رود، آدم می کشند، قهقهه می کشند و شیشه ماشین مردم را می شکنند، بیمار نیست. اما معنادی که به صورت داوطلبانه برای ترک می آید یک بیمار اجتماعی بوده و به حمایت و کمک نیاز دارد.

● تک تک محلات منطقه ۱۴ از نبود فضای سبز مناسب، فضای بازی و فضای ورزشی بچ می برسد. ضرورت توجه به وضعیت اقتصادی مردم در این زمینه می تواند بسیار مهم تلقی شود. بسیاری از مردم منطقه امکان استفاده از خدمات ورزشی موجود در باشگاه ها را نداشته

و از رو آوردن به ورزش محروم هستند. دسترسی به فضای ورزشی رایگان و امن یکی از ضرورت های منطقه است. امن نبودن بسیاری از بوستان و پارک های منطقه نیز به این محدودیت دامن زده است. در عین حال در بحث تامین امنیت محلات شنیده ایم که اعلام می کنند کیوسک و فرار گانه نیروی انتظامی در فلان محله وجود ندارد. این انتظار به دلیل عدم داشتن گاهی کافی از مسایل و اطلاعات است. نیروی انتظامی اعلام می کند به دلیل مشکلات مالی، توان تهیه کیوسک یا کانکس در محلات را ندارد و از شهرداری می خواهد که این کانکس ها با هزینه خودش تامین کرده و کانکس های کیوسک برآورد در داخل این کانکس های می گذارد. حال در صورت وقوع هر نوع جرم و تخلف، این سرباز چه کاری می تواند برای بازگشت امنیت به محله انجام دهد؟ لازم است در این زمینه «پلیس محله» افعال کرده و محور کار را پلیس محلات قرار دهیم. نیروی انتظامی صورت تک بعدی نتوانایی دارد. دونه امکانات، گرچه نیروی انتظامی هم پای کار است و به عنوان نمونه سر کلاتر منطقه ۱۴ بسیار پیگیر است، اما در این زمینه هم تمام دستگاه ها باید کمک کنند.

● تک تک اعضای شورایی شهر تهران دعوت رسمی می کنیم که به محلات محروم منطقه ۱۴ سرزنند و از نزدیک مشکلات را لمس کنند. اگر از زبان شوراییاران و مردم مشکلات را حس کنند، متوجه تمام معضلات و گره های محلات می شوند. شوراییاران چشم بینای محلات می باشند که اگر این افراد و پیگیری های آنان نبود، ملاقات های مردم با شهرداران مناطق، گزارش عملکرد شهرداران نواحی، معاونان مناطق، و شهرداران وجود خارجی نداشتند. اگر امروز صدای مردم به جایی می رسد و حداقل برای شنیدن صحبت های مردم امکان ملاقات با برخی از مسئولان شهری وجود دارد به برکت پیگیری شوراییاران است. بافتخار از صلابت و سلامت شوراییاران دفاع می کنم و به جرات اعلام می کنم که در منطقه ۱۴ شهرداری، از میان ۲۱ دبیر شوراییاری، ۱۷ دبیر شناختی نسبت به معاون شهرسازی ندارند. با افتخار اعلام می کنیم که آفت زبون داری میان شوراییاران وجود نداشته و نقطه قوت ما محسوب می شود. از اداره های آب، برق، گاز و... درخواست داریم که برای دریافت بدهی ها و مطالبات، صوری کنند تا انتصابات شهرداری به پایان برسد و خودش را پیدا کند و بعد نسبت برادرت بدهی ها اقدام خواهد شد.

### جامعه ای سازیم

#### مناسب افراد دارای معلولیت



«در همین چند قدمی» کتابی است در زمینه معلولیت که به تازگی رونمایی شده و تمام افراد می توانند از خواندن آن، بهره ببرند و با دنیای تکان دهنده و در عین حال زیبایی آشنا شوند که همواره از آن بی خبر بودند.

به گزارش خبرنگار اجتماعی ایرنا، کتاب «در همین چند قدمی» نوشته رضا بهار و رضیه کیاری در ۱۶۰ صفحه از سوی انتشارات «به منش» در قطع رقعی و با شمارگان یک هزار و یکصد نسخه منتشر شده است.

رضایبهار، خبرنگار، مترجم و نویسنده این کتاب به خبرنگار ایرنا می گوید: این کتاب، قصه زندگی و تجربه زیستی یک زن و شوهر معلول است که از آن زینابینا و مرد هم دچار بیماری مادرزادی بوده که منجر به آسیب جسمی و حرکتی شده است.

وی در پاسخ به این سؤال که چطور شد تصمیم به نگارش این کتاب گرفت، می افزاید: بهترین است ابتدا بگویم که چطور تصمیم گرفتم با یک نابینا از دواج کنم، من چون دارای معلولیت بودم با خودم گفتم بهتر است با یک معلول مثل خودم از دواج کنم.

وی ادامه داد: همواره در از دواج افراد معمولی، گفتم می شود که از دواج، دوروح هم دیگر را کامل می کنند اما در مورد از دواج ما علاوه بر روح، جسم هم دیگر را نیز کامل کردیم چرا که مشکل چشم هایم موجب شده تا دید وسیعی داشته باشم به آن معنا که اگر همسر پشت سرم راه برود، او را می بینم و اگر دستش را بگیرم می توانم حواسم به چاله و چوله های اطراف می شود تا او نبیند، هرچند که به دلیل موقعی شهری، این اتفاق اجتناب ناپذیر بوده است.

بهار ادامه می دهد: آشنایی من و همسرم در روزنامه همشهری بود، همسرم در آن روزنامه، صفحه ای ایجاد کرده بود و همه نویسندگان این صفحه، دارای معلولیت یا آشنا با آن بودند. حتی معلم های مدارس استثنایی و والدین دارای فرزند معلول در این صفحه، تجارب خود را می گفتند و نقطه آغاز داستان نیز همجا بود.

وی اضافه می کند: من در این محل به عنوان خبرنگار، مترجم و چشم آدمی که قرار بود بعدا همسرم شود، مشغول کار شدم؛ هم می گفتم که طبق گفته افلاطون آدم ها مانند نیمکره، هم دیگر را کامل می کنند و همسرم نیز یکدیگر را کامل می کنیم. جایی که دست من نمی تواند کاری را انجام دهد، همسرم کارهایم را انجام می دهد و جایی که همسرم نمی بیند، من چشمش می شوم.

بهار می گوید: چون روز روز یادداشت می نوشتم، دیدم چقدر خوب است که تمام اینها را به عنوان مجموعه ای جمع آوری کنم و هرچند که قطر کتاب کم است اما نگارش آن هفت سال طول کشیده است چرا که تجربه های واقعی دوا آدم معلول است که با یکدیگر زندگی می کنند، مشکلات را کنار می گذارند، ادامه می دهند و موفق می شوند.

وی می افزاید: تمام این داستان های واقعی در کتاب آمده است که چطور همسر نابینا شد، چطور شغلش را به عنوان پرستار از دست داد و اینکه چطور رسانه می تواند به عنوان ابزاری برای پیوند معلولان با دیگر افراد جامعه، عمل کند و با استفاده از این ابزاری می توان حقوق معلولان را بررسی کرد.

وی اضافه می کند: در بخشی از این کتاب به داستان پدر و مادری معلول پرداخته می شود که کودک سالم خود را بزگی می کنند؛ در بخش دیگر، داستان فردی که دره دره به تدریج نابینا می شود، تعریف می شود؛ تصاویری که این فرد هنگام از دست دادن بینایی تجربه می کند، وحشتناک و در عین حال حیرت انگیز است.

این خبرنگار و نویسنده ادامه می دهد: این فرد ها نمونه هایی از دست های بیانی اش را از دست می دهد، همه چیز زندگی اش را نیز از دست می دهد اما با توکل و اعتقاد، به زندگی بازمی گردد و روزنامه نگار می شود.

بهار می افزاید: قسمت کوتاهی از کتاب نیز به خودم و بیماری ام پرداخته ام که چگونه این اتفاق افتاد. بخش کوتاهی از کتاب نیز برای معلم و خانواده های دارای معلول، بسیار کاربردی است و بطور مثال در آن توضیح داده شده که یک مادر نابینا چگونه



## جامعه‌ای بسازیم

### مناسب افراد دارای معلولیت

به فرزندش شیر می‌دهد؛ تجربه‌ی بی‌مانند دارو دادن و بردن کودک به مهد کودک، تجربه‌ی های زیستی کوچکی است که در عین کوچکی تاثیر خیلی بزرگی دارد.

وی خاطر نشان می‌کند: سرمایه‌گذار انتشار کتاب خودمان بودیم و فعلا از جایی حمایت نگرفتیم اما شاید سازمان‌هایی مانند بهزیستی آن را بخرند چون کاری که در این کتاب انجام شده، همسو با اهداف های آموزشی بهزیستی یا آموزش و پرورش استانی است.

به گفته‌ی بهار، تمام دولت دست اندر کار این کتاب افراد دارای معلولیت یا شنایا با حوزه معلولیت و توانبخشی بوده‌اند.

وی اضافه می‌کند: حتی انتشار کتاب کسی است که در حوزه معلولیت و توانبخشی درس می‌دهد یا ترانه ملایدی طراح جلد کتاب نیز دارای معلولیت است اما عاشقانه این جلد را طراحی کرده‌است.

این خبرنگار و نویسنده در ادامه به فرهنگ مردم در برخورد با فرد دارای معلولیت اشاره می‌کند و می‌گوید: خیلی دردناک است هنگامیکه یک آدم سالم، یک فرد دارای معلولیت را می‌بیند، می‌گوید خدا یا شرکت که آنطور نشد.

وی می‌افزاید: همواره همه‌ی مردم می‌گویند که اگر کسی مانند من، همسرم یا ترانه یا بسیاری از افراد دارای معلولیت موفق دیگر اگر معلول نبودند آیا به جایگاه فعلی اجتماعی، شغلی یا تحصیلی موفق امروز خود می‌رسیدند و شاید این توانایی و موفقیت‌های بزرگ حاصل معلولیت است و اگر این آدم‌ها، معلول نبودند شاید مانند آدم‌های دیگر زندگی خیلی عادی داشتند.

#### معلولیت برای هر کسی می‌تواند اتفاق بیفتد

این نویسنده می‌گوید: یکی از جنبه‌های این کتاب که شاید باعث هشدار مسئولان و سیاست‌گذاران شود این است که بپذیریم ۱۰ درصد جمعیت هر جامعه، معلول است اگر ما ۸۰ میلیون نفر جمعیت داریم، هشت میلیون نفر دارای معلولیت هستند، باید بپذیریم اینها هستند.

بهار ادامه می‌دهد: افراد دارای معلولیت به علت بیماری، نیازهای بیشتری دارند.

وی اضافه می‌کند: معلولیت می‌تواند در هر سنی اتفاق بیفتد، هر مادری می‌تواند کودک معلول به دنیا بیاورد یا هر پدری می‌تواند در اثر تصادف دچار معلولیت شود بنابراین اگر جامعه‌ای بسازیم که برای معلول مناسب باشد مطمئنا در آن جامعه، حقوق همه افراد رعایت شده‌است.

وی تصریح می‌کند: شاید برخی افراد اعتراض کنند که در جامعه‌ای که افراد غیر معلول بیکار هستند چرا باید به دنبال ایجاد شغل برای معلول باشیم اما باید به این نکته توجه داشت که اگر معلولان روزی در آسایش بودند و کرامت آنها رعایت شود آنگاه می‌توانیم مطمئن باشیم که آن جامعه حقوق آدم‌های غیر معلول را نیز رعایت کرده‌است.

# صدای محله‌های تهران است

آگهی خود را به ما بسپارید

۸۸۳۱۲۵۹۷

# یک اعتراف، یک ادعا و یک احتمال در نطق سیاسی آقای نماینده

ادامه از صفحه ۳

حداقل با قاطعیت می‌توان گفت که از زمان پنج نفری که توسط حزب متبوع وی در این لیست قرار گرفته و به تعبیر وی، بر صندلی‌های شور انشسته‌اند، «در جای واقعی خود قرار ندارند» . سه نفر از این تیم پنج نفره «کارویژه» اصلی آنها در شور، صرفا خواندن آراء اعضاء می‌باشد.

یکی از آنها در میان هیات رئیسه شور این نقش را دارد و دو نفر بعدی، هر از گاهی برای نظارت بر شمارش آرا به محل هیات رئیسه فراخوانده میشوند. (اگر این سه عضو محترم این ادعا را عادلانه نمی‌دانند، لیستی از «تذکرات موثر» با «طرح‌هایی که در این مدت به شور ارائه کرده‌اند» یا «مشاورت تکنیکی و فعال در مباحث شور» یا «یازدهدای موثر از محلات» به اطلاع افکار عمومی برسانند.)

ناطق محترم جلسه امروز (لیدر اصلی این تیم پنج نفره) به جزء دو کارویژه ۱- انتصاب دوستان و رفقای خود در زیر مجموعه معاونت اجرایی شور ۲- ارائه پیشنهاد افزایش سهم در آراء پدیدار شهرداری به ۴۰ درصد (در طرح لزوم شهرداری برای تدوین بودجه سال ۹۷) که آن پیشنهاد هم آنچنان قضایی و تخلیعی بود که حتی مورد توجه شور نیز قرار نگرفت، چه کار کرد خاصی در شور داشته‌است؟

در میان این تیم پنج نفره، فقط خانم «صدراعظم نوری» را میتوان دارای کیفیت و توان لازم برای قرار گرفتن در لیست شور دانست (ایشان هم عملا در این مدت به عنوان وکیل شهر دار آفای نقش کرده‌است، تا آنجا که شورای ای مردم شهر، بسیاری از فعالین سیاسی از همان روز بسته شدن لیست، به این مساله واقف بودند که حق مردم شهر و اصلاح طلبی نیست که این افراد در لیست قرار بگیرند، اما عملکرد سه ماهه برخی اعضا، این واقعیت تلخ را برای افکار عمومی و گردانندگان پشت پرده تنظیم لیست نیز بران ساخته‌است. (به زودی کارنامه صد روزه این ۱۲ نفر برای قضاوت افکار عمومی منتشر خواهیم کرد.)

ادعا: ناطق در نطق خود تغییر پذیرش نقد و انتقاد طرفداران «زنده باد مخالف من» و «بر خورد یکسان با موافقان و مخالفان»

را به عنوان مانفست شور عنوان کرد. نگارنده به عنوان فردی که نقد درون گفتگویی می‌کند، می‌توانم از طرف خود صادقانه عرض کنم که این ادعا شعاری توخالی بیش نبوده‌است (حجم فشارهای پید و پنهان و انواع و اقسام بیگام و پیغام. احتمال: ناطق محترم در بخش دیگری از سخنان خود گفت «عملکرد مداخلات می‌شود دوره بعدی با مردم را خانه نسین کرده و یا به سوی گروه‌های رقیب سوق دهیم.» بر آورد حقیر این است در صورتی که شور در «اولویت گذار یها» و «اگر برد های خود» با مشارکت نخبگان صاحب نظر در حوزه شهری، دست به تغییرات اساسی نزنند، امکان تحقق این احتمال بسیار جدی است. بنابراین نطق امروز را میتوان یک نطق سیاسی، انتخاباتی، شعاری و فاقد کیفیت لازم در حوزه وظایف و اختیارات شور تلقی نمود.

#### ب. تذکرات: (۱۳ دقیقه)

«تذکره» به عنوان ابزار نظارتی شور، چنانچه در چهار چوب «اختیارات قانونی»، «ناظر به طرح مسئله و مشکلی در شهرداری»، «حل مساله ای از شهر»، «هدف قرار دادن مشکلات واقعی مردم» و «مبارزه با فساد و رانت» باشد، تذکر «موثر و مفید» ارزیابی می‌شود.

تذکر خانم «مانلی» (اعتراض به قطع درختان توسط پیمانکار در محله «حکیمیه» واقع در منطقه ۴) و تذکر آقای «علیخانی» (اعتراض به عدم پرداخت اعتبار به متروی تهران در سه ماه گذشته) در این چار چوب قابل ارزیابی مثبت است. سایر تذکرات مطرح شده در جلسه در چار چوب تذکرات «شکیب» و «رسانه ای» قابل ارزیابی است.

چ. برگزاری مجمع عمومی شرکت واحد توبوسرانی (۵۰ دقیقه) بر اساس قانون، شورای شهر مجمع عمومی شرکت «واحد توبوسرانی» محسوب می‌شود. در جلسه امروز بندهایی از اساسنامه شرکت «واحد» مورد بررسی و بازبینی قرار گرفت. پیشنهاد کمیسیون برنامه و بودجه شور این بود که کلیه اختیارات شور به جزء «انتخاب بازرسی و یژه» به شهردار تهران

تفویض شود.

اما پیشنهاد آقایان «حیب زاده» و «علیخانی» (طراح اصلی پیشنهاد) این بود که اعضا هیات مدیره شرکت واحد نیز توسط شور انتخاب شوند. تنها بنا به ۱۲ رأی پیشنهاد این دو نفر رأی آورد. نکته جالب توجه این بود که رئیس شور در چندین نوبت به مخالفت با این پیشنهاد پرداخت به نحوی که بعد از شمارش آرا واحدی برای وی غیر قابل باور بود که رأی آورد. (برای چندمین بار رئیس شور به دفاع جاتانه از شهرداری می‌پردازد)؛ به نظر می‌رسد که مصوبه امروز یک گام به جلو برای نظارت جدی تر شور بر شهرداری محسوب می‌شود. این بخش از جلسه امروز قابل دفاع بود، اما این مصوبه باید در زمان بسیار کمتری در شور به تصویب برسد.

#### د. بررسی اعتراضات مالکین برخی پلاک های ثبتی به رای بدوی کمیسیون ماده ۷ (۵۵ دقیقه)

مانند جلسات قبل، امروز سه پرونده مربوط به کمیسیون ماده ۷ کمیسیون حفظ و گسترش فضای سبز: (تشخیص «باغ») و تصویب کمیسیون معماری و شهر سازی به جلسه آورده شد که دو مورد اول تعداد کمی درخت در آنها قطع شده بود، اما در پرونده سوم ۴۲۲ درخت قطع شده بود و ظاهرا بدون در یافت استعلام از کمیسیون ماده ۷ به این پلاک ثبتی «بروانه ساخت» و «محوز گود برداری» صادر شده بود. تصمیم شور در خصوص تشدید مجازات این پلاک ثبتی، یکی از اقدامات طابع و موثر شور در برخورد با پدیده تخریب باغات محسوب میشود، منوط به اینکه این اراضی محدود به دوره گذشته نشود.

د. بر اساس مصوبه جلسه قبل شور، شهرداری مکلف بود که لایحه «کمک به زلزله زدگان کرمانشاه» را به شور بیاورد. همانگونه که حقیر در یادداشت قبل نوشته‌ام این نوع مصوبات شناخته شده به اعتبار شور اصدمه و از دی می‌کند، امروز از ارسال این لایحه خبری نبود و هیچ عضوی از شور نیز به آن معترض نشد.

# راهکار بازگشت بافت فرسوده به چرخه اقتصادی شهر



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی انجمن علمی اقتصاد شهری ایران، بافت‌های فرسوده شهرها علاوه بر تحمل مسائل کالبدی و فیزیکی از لحاظ اجتماعی و فرهنگی هم دچار مشکل شده‌اند و از چرخه اقتصادی شهر خارج شده‌اند. در واقع مشکل این بافت‌ها فقط ناپایداری در برابر زلزله نیست بلکه می‌توان گفت نوعی زلزله فرهنگی و زلزله اقتصادی هم این بافت‌ها را در نوردیده‌است. بافت‌های تاریخی به عنوان مجموعه‌ای منسجم از معماری، فرهنگ، اقتصاد، پیوندهای اجتماعی و ملاحظات محیطی، هم تجلی هنر و معماری و شهرسازی است و هم تجلی همزیستی سازگار با طبیعت هستند.

این بناها واجد ارزشهای نادر زیبایی شناختی و تداوم خاطرات جمعی و هویت بخش شهرهای ما هستند آنها جزء مهمی از سرمایه‌های فرهنگی ما هستند و حکم اندوخته‌هایی متراکم را که گنجینه‌هایی از خاطرات اجتماعی و شیوه‌های برنامه ریزی و زندگی گذشتگان ما را در بر گرفته‌اند. اما بنایه دلایلی این بافت‌ها تکان کرد و بناها و آثار تاریخی این شهرها این بافت‌های تاریخی و ارزشمند بجای اینکه قلب تپنده شهر باشند به محل تجمع جرم و بزه تبدیل شده‌اند.

بنابر این این بافت‌ها نیازمند جان بخشی، باز آفرینی و احیا هستند. در نگاه توسعه پایدار اگر چه احیا کالبدی فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی مر تبط با یکدیگر و در تعامل باهم هستند اما اوقیت امر اینست که احیا اقتصادی این بافت‌ها می‌تواند دیگر زمینه ساز احیا اجتماعی و آثار تاریخی است به معنای بافت قدیمی نیست چرا که این بافت دارای ارزش و بار فرهنگی است و هر بافت قدیمی شهری لزوماً ارزشمند نیست.

در کشور بیش از ۶۵ هزار هکتار بافت فرسوده داریم که تنها ۲۷ هزار هکتار از آن به بافت تاریخی اختصاص دارد. بنابر این در حیات بخشی مجدد به بناهای تاریخی از جمله خانه‌ها، آب انبارها، یخچالها، قلعه‌ها

گردشگری بین المللی وجود دارد و رقابتی تنگاتنگ بین کشورها و شهرها برای جذب گردشگر وجود دارد به نظر می‌رسد که اشاره شد اهمیت گردشگری در زمینه اشتغالزایی بسیار بالاست بطوریکه در سال ۲۰۲۲ از هر ۱۰ نفر شاغل در دنیا یک نفر در بخش توریسم کار می‌کند. بنابراین در کشور ما نیز اگر مابه دنبال تحقق شعار سال یعنی تولید و اشتغال باشیم و اگر بخواهیم راهبرد توسعه پایدار شهری را دنبال کنیم، توریسم شهری با تکیه بر پهنه‌های فرهنگی می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

می‌تواند نقش بی بدیلی در اقتصاد شهری ایفا کند. گردشگری که به صنعت سفیدی، صنعت پاک و صنعت بدون دود معروف است در سال ۲۰۱۷، ۶۷۰ تریلیون دلار یعنی ۱۰ درصد تولید ناخالص جهان را به خود اختصاص داده‌است و ۲۹۲ میلیون شغل ایجاد کرده‌است. میزان یک ده کل اشتغال جهانی است. ۶۶ درصد صادرات جهان و ۳۰ درصد صادرات بخش خدمات در این بخش است. این اعداد ورقام گویای اهمیت فزاینده این بخش است بخصوص زمانی که متوجه می‌شویم که در سال ۲۰۲۳ نزدیک به ۲ میلیارد

و سایر اینچه که عموماً از طریق بهسازی و تعمیر کاربری صورت میگیرد باید اصلت بافت خدشده دار نشود. در همه جای دنیا امروزه گردشگری شهری در روی این بافت‌های تاریخی تاکید ویژه ای دارد. آنها پتانسیلهای بالقوه گردشگری هستند و از طریق گردشگری شهری می‌توانند مجدداً به چرخه زندگی شهری بازگردند. بنابر این بازسازی و بهسازی توریسم محور، ارتقاء قابلیت‌ها با حفظ هویت و اصالت بافت، راهکاری برای توسعه پایدار این بافت‌هاست و این میراث ارزشمند

با تخفیف ۵۰٪

همین حالا مشترک شوید!



eshterak.ir

طرح اشتراک نشریات



مدیر اجرایی: عبدا... سالاری اسکر  
مدیر هنری: گلنوش مریخی  
چاپ: سلام  
توزیع: صمت

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیمین سالاری اسکر  
سر دبیر: عابدین سالاری اسکر  
دبیر تحریریه: سمیه جاهد عطائیان

هفته نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

## جشنواره دوجین بانک سرمایه؛ ۷۲ برنده خوش شانس در هر ماه

دارندگان کارتهای هدیه  
خرید و فروش سهام در شعب  
ارائه دهنده خدمات کارگزاری

تراکنش در بانکداری الکترونیک

افتتاح حساب

ازدواج تولد

(ازدواج و تولد) می توانند با مراجعه به کانال اینستاگرامی بانک به نشانی [www.instagram.com/banksarmaye](http://www.instagram.com/banksarmaye) اطلاعات مربوط به تاریخ عقد و یا تاریخ تولد خود را به همراه سایر اطلاعات درخواستی بارگذاری نمایند.

همچنین برای حضور در بندهای ۳، ۲ و ۴ قرعه کشی نیازی به ثبت نام در سامانه نبوده و اطلاعات مورد نیاز مشتریان به صورت خودکار از واحدهای مربوطه جهت قرعه کشی دریافت خواهد شد.

شایان ذکر است قرعه کشی های تناوب در دوازدهم هرماه برگزار می گردد که دومین مرحله قرعه کشی انجام شده و اسامی برندگان مرحله دوم جشنواره به زودی در وبسایت بانک سرمایه منتشر خواهد شد. گزینی است سومین مرحله قرعه کشی ۱۲ آذرماه بوده و هموطنان و مشتریان برای شرکت در سومین مرحله قرعه کشی می توانند از ۱۲ آبان ماه نسبت به ثبت اطلاعات خود در سامانه های مربوطه اقدام نمایند. لازم به ذکر است اسامی برندگان از طریق وبسایت بانک سرمایه به اطلاع عموم مشتریان ارجحند خواهد رسید.

ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)  
۵. تمامی هموطنانی که از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی ازدواج کرده اند (بدون محدودیت سال)  
۶. تمامی هموطنانی که تاریخ تولد آنها از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی باشد (بدون محدودیت سال)  
شایان ذکر است هر یک از موضوعات قرعه کشی ۱۲ برنده خواهد داشت که در هرماه مجموعاً ۷۲ نفر، برنده خوش شانس این قرعه کشی خواهند بود. گزینی است به هر یک از برندگان قرعه کشی یک قطعه کارت هدیه ۵ میلیون ریالی اهدا خواهد شد. لازم به ذکر است هموطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه برای شرکت در قرعه کشی می بایست در صفحه مربوطه در وبسایت این بانک نسبت به ثبت مشخصات خود (نام، نام خانوادگی، نام استان، نام شهر، شماره ملی و شماره موبایل) اقدام نمایند و در صورت برنده شدن در قرعه کشی، برای دریافت جایزه خود به همراه اصل کارت هدیه برنده شده به شعبه مربوطه مراجعه نمایند. همچنین هموطنان علاقه مند به شرکت در بندهای ۵ و ۶ قرعه کشی

بانک سرمایه در ماههای منتهی به دوازدهمین سالگرد تأسیس خود تا دی ماه سال جاری، جشنواره «دوجین» را با قرعه کشی ها و جوایز متعدد برگزار می کند. قرعه کشی این جشنواره به صورت ماهانه بوده و از مهرماه سال جاری آغاز و تا دی ماه ادامه خواهد داشت. شایان ذکر است قرعه کشی در دوازدهم هرماه در شش موضوع به شرح ذیل برگزار خواهد شد:  
۱. تمامی هموطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه (کارت های هدیه صادر شده در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)  
۲. تراکنش مشتریان بانک سرمایه در سیستم بانکداری الکترونیک این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)  
۳. خرید و فروش سهام توسط مشتریان بانک سرمایه در شعب ارائه دهنده خدمات کارگزاری بازار سرمایه این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشی)  
۴. افتتاح حساب مشتریان بانک سرمایه (در بازه زمانی دوازدهم

کسب اطلاعات بیشتر  
@sarmayebank  
www.sbank.ir  
۴۳۷۳  
سرمایه